

قانون اساسي پيشنهادي براي حكومت آينده متن كامل-كاوه شيرزاد

<http://www.ghandchi.com/IONA/ConstShirzad.htm>

<http://groups.yahoo.com/group/IranscopeNews/message/5187>

[ni=3105&http://www.cyrusnews.com/news/fa/?mi=23](http://www.cyrusnews.com/news/fa/?mi=23)

[ni=3111&http://www.cyrusnews.com/news/fa/?mi=23](http://www.cyrusnews.com/news/fa/?mi=23)

قانون اساسي پيشنهادي براي حكومت آينده متن كامل

فروردين ۱۳۸۴ Cyrusnews.com

از كاوه شيرزاد

kavehshirzad@yahoo.com

<http://www.kavehshirzad1.persianblog.com>

به نام خداوند جان و خرد كزين برتر اندیشه بر نگذرد

فصل يكم : اصول كلي قانون اساسي

اصل يكم :

نظام سياسي ايران « جمهوري پارلماني يا مشروطه پارلماني » يك نظام دمكراتيک و آزاد و يك نظام غير ديني و غير ايډولوژيک و يك نظام غير قابل تجزيه مبتني بر نظم و انضباط و قوانين و مقررات است . همچنين در نظام سياسي ايران استقلال ، آزادي ، وحدت ملي و تماميت ارضي چهار جز تفكيک ناپذير از يکديگر هستند .

اصل دوم :

در ايران امور کشور به انکاء آرای عمومي اداره مي شود . سه قوه مجريه ، مقننه و قضائيه منفک از يکديگر بوده و شوراي عالي ملي ارتباط میان آنها را برقرار مي سازد . همچنين هرکدام از اين سه قوا به رای مستقيم يا غيرمستقيم مردم انتخاب مي شوند که ترتيب انتخاب آنها در اصول ديگر قانون اساسي معين مي گردد .

زبان ، خط رسمي کشور

اصل سوم :

زبان و خط رسمي مشترک مردم ايران فارسي است . اسناد و مکاتبات و متون رسمي بايد با اين زبان و خط باشد . اين زبان و خط در تمام مدارس عمومي تدريس مي شود . استفاده از زبانهاي محلي و قومي در مطبوعات و رسانه هاي گروهي و تدريس آنها در مدارس و دانشگاهها علاوه بر زبان فارسي آزاد است . نظام سياسي ايران موظف است براي حفظ ميراث فرهنگ بشري در جهت تقويت و هرچه بارورتر کردن فرهنگهاي قومي و منطقه اي برنامه ريزي هاي لازم را به عمل آورده و زبانهاي مختلف شهروندان ايران که ميراث فرهنگ ملي محسوب مي شود را مورد احترام و حراست ويژه قرار دهد . همچنين دولت مي کوشد با بسط و گسترش زبان انگليسي راه ورود همه شهروندان ايران را به دهکده جهاني فراهم سازد .

پرچم و نشان کشور

اصل چهارم :

پرچم ايران متشکل از سه رنگ قرمز در پايين ، سفيد در وسط و سبز در بالا ، به همراه نشان شير و خورشيد در مرکز آنست که نشان شير و خورشيد و ساير علامتهاي پرچم ايران مي تواند با تائيد دو سوم نمايندگان مجلس شوراي ملي تغيير يافته يا اضافه و کم گردد .

ايام تعطيل و پايتخت رسمي کشور

اصل پنجم :

پایتخت ایران تهران و روز جمعه تعطیل رسمی کشور است ، پایتخت رسمی و روز تعطیل رسمی کشور می تواند با تأیید دو سوم نمایندگان مجلس شورای ملی تغییر یابد همچنین سرود ملی ایران و مبدا تقویم رسمی کشور با تأیید دو سوم نمایندگان مجلس تعیین یا تغییر می یابد .

سیاست خارجی کشور

اصل ششم :

روابط نظام سیاسی ایران با کشورهای دیگر بر اساس رعایت برابری حاکمیت ، امتناع متقابل از توسل به زور یا تهدید به زور ، تغییرناپذیری مرزها ، احترام به استقلال و تمامیت ارضی کشورها ، حل مسالمت آمیز منازعات و مناقشات فی مابین ، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر ، احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی مصرح در آن ، احترام به حق حاکمیت ملیتها بر سرنوشت خویش ، همکاری متقابل میان کشورها ، اجرای صحیح و دقیق معاهدات بین المللی یا بین الدول ، گسترش صلح و دوستی میان ملل ، حفظ منافع ملی شهروندان ایران ، حسن همجواری ، احترام متقابل و تساوی حقوق طرفین و نهایتاً تثبیت جایگاه شایسته ایران در خانواده بین المللی استوار است .

اصل هفتم :

قانون اساسی بر تجزیه ناپذیری کشور تأکید کرده و معتقد است ، وطن يك حق مشترك و تقسیم ناپذیر ، متعلق به همه شهروندان ایران است . بر این اساس نظام سیاسی ایران حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور و حفظ وحدت و امنیت ملی را تضمین نموده و تضمین می کند تغییر در خطوط مرزی کشور جز با برگزاری همه پرسی صورت نپذیرد .

پایبندی به تعهدات ملی و بین المللی

اصل هشتم :

نظام سیاسی ایران منشور سازمان ملل متحد ، اعلامیه جهانی حقوق بشر و کلیه معاهدات و میثاق های بین المللی و بین الدولی که ایران به آنها پیوسته را محترم می شمارد و به آنها پایبند می ماند .

حمایت از علوم و فنون و تحقیقات و پژوهش

اصل نهم :

نظام سیاسی ایران متعهد می شود در جهت دستیابی به يك حکومت دمکراتیک و آزاد و مرفه و مدرن و به منظور دستیابی به جایگاه بین المللی خود در میان ملل مختلف ، علوم و فنون و تحقیقات و پژوهش و همچنین تکنولوژی و صنعت را به عنوان یکی از مهمترین عوامل رشد و ترقی ملل جهان مورد توجه جدی قرار داده و از هیچ کوششی در جهت دستیابی به چنین رشد و ترقی دریغ ننماید . همچنین نظام سیاسی ایران متعهد می شود وسایل بهره مندی از دستاوردهای نوسازی را در اختیار تمامی شهروندان ایران قرار داده و با اهتمام به بسط و گسترش علوم و تکنولوژی و امکانات مترقی شرایط رشد و ترقی جامعه ایران را فراهم سازد .

اصل دهم :

نظام سیاسی ایران متعهد می شود در جهت بهبود زندگی همه شهروندان ایران و به منظور ارتقا سطح رضامندی آنان ، آزادی و دمکراسی و عدالت و برابری را تعقیب و پیگیری نموده و فرهنگ و هنر ، نظم و انضباط ، تفریح و شادی ، بهداشت و سلامتی ، ورزش و تندرستی و احترام به قوانین و مقررات ملی را بسط و گسترش دهد .

فرصتهای مساوی برای هم شهروندان

اصل یازدهم :

نظام سياسي ايران فرصتهای مناسب و مساوي برای تعالی و ترقی همه شهروندان ایران را به موجب قانون ، تضمین می کند و با اختلافات طبقاتی در جامعه مبارزه کرده و هر نوع تبعیض و امتیاز بین شهروندان ایران را منع و ملغی می کند .

اهداف نظام سياسي ايران

اصل دوازدهم :

نظام سياسي ايران مکلف به ایجاد يك جامعه مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعي ، حفظ کرامت انساني ، حمایت از حقوق بشر ، تحقق دموکراسي ، تقویت وحدت و همبستگی ملی و برابری بین همه اقوام و قبایل ایرانی بوده که در آن احترام به افکار عمومی ، مبارزه با استبداد ، مبارزه با خشونت و تبعیض ، تقسیم عادلانه ثروت در چارچوب يك سیستم با ثبات اقتصادی ، حمایت از تکثر سياسي ، مبارزه با فساد اداری ، مبارزه با استبداد مجریان دولتی ، گسترش نظم و انضباط و بسط قوانین و مقررات ملی ، ایجاد امنیت و آسایش و تمرکز زدایی اداری و سياسي از اصول اولیه تشکیل چنین حکومتی است .

جدایی دین از سیاست

اصل سیزدهم :

نظام سياسي ايران بر اساس احترام به کلیه ادیان و مذاهب شهروندان ایرانی و بر اساس بی طرفی کامل نسبت به هر عقیده و هر مسلک و مذهبی و بر اساس حمایت از حقوق اقلیتهای مذهبی ، يك نظام غیر ایدئولوژیک و يك نظام غیر مذهبی ، مبتنی بر جدایی کامل دین از سیاست است . بر این اساس نظام سياسي ايران هیچ عقیده و مذهبی را برتر از عقیده و مذهب دیگر نمی شناسد و راه تسلط هیچ مذهب و عقیده ای بر عقیده و مذهبی دیگر را بواسطه استفاده از پستهای سياسي و دولتی یا بواسطه استفاده از امکانات دولتی باز نمی گذارد .

اصل چهاردهم :

نظام سياسي ايران بر اساس احترام به کلیه ادیان و مذاهب و بر اساس جدایی کامل دین از سیاست ضمن احترام به کلیه متشرعین و مبلغین مذهبی و احترام کامل به دین و مسلک آنها ، حضور متشرعین و مبلغین مذهبی را در صحنه های سياسي و مدیریتی کشور ؛ استفاده و بهره برداری يك عقیده و مذهب خاص از امکانات دولتی در ترویج و تبلیغ مذهب و عقیده خود و تضييع حقوق عقیده و مذهبی دیگر دانسته و بر این اساس حضور کلیه متشرعین و مبلغین دینی و مذهبی را در ارکان سياسي و مدیریتی کشور منع می کند .

اصل پانزدهم :

نظام سياسي ايران بر اساس آزادی کامل عقیده و مذهب و بر اساس رفع تبعیض و بی عدالتی بین عقاید و مذاهب مختلف ، هیچ عقیده و مذهبی را ملاک صحت قوانین و مقررات ندانسته و هیچ امتیازی را برای عقیده و مذهبی خاص قائل نیست همچنانکه هیچ مذهب و عقیده ای را تبلیغ و ترویج نمی کند و هیچ مذهب و عقیده ای را محدود و سرزنش نمی کند . همچنین جمعیتهایی که دارای يك ایدئولوژی فلسفی خاص هستند همان حکمی را دارند که جمعیتهاي مذهبی دارا هستند .

فصل دوم : حقوق ملت

بخش اول : آزادی عقیده و مذهب و نشر آن

اصل شانزدهم :

نظام سياسي ايران بر اساس احترام به همه مذاهب و عقايد شهروندان ايراني ، اجراي بدون مزاحمت آيين هاي مذهبي و قومي را تضمين نموده و به حق بهره مندي همه اقليتهاي قومي و مذهبي ، در اجراي فرائض ديني و آداب و رسوم مذهبي خود احترام مي گذارد و اجراي بدون مزاحمت چنين آدابي را تضمين مي کند .

اصل هفدهم :

نظام سياسي ايران به حق بهرمندي همه مذاهب و عقايد از رسانه هاي گروهني غير دولتي در ترويج و تبليغ دين و آيين و عقايد مذهبي احترام مي گذارد و اجراي چنين قانوني را تضمين مي کند و اجازه توهين به هر مذهب و عقيدة ابي را سلب مي کند .

اصل هجدهم :

هر گونه ترغيب به تنفر ملي يا قومي يا مذهبي يا جنسي كه باعث تحقير ، تحريك به تبعيض يا دشمني و خشونت گردد يا محدود كننده آزاديهاي عقيدتي و مذهبي ديگران باشد و يا تضعيف كننده وحدت ملي باشد بموجب قانون ممنوع است . همچنين هر گونه تبليغ به جنگ ممنوع است .

اصل نوزدهم :

آزادي بيان ، آزادي عقيدة ، آزادي مذهب ، نشر عقيدة و مذهب ، تبليغ كيش و آيين آزاد است . اين قانون شامل آزادي در پذيرش يا ترك يا تغيير يك مكتب ، مذهب يا عقيدة خاص است .

تفتيش عقايد ممنوع است

اصل بيستم :

تفتيش عقايد ممنوع است بر اين اساس جز در موارد نادر كه قانون بدان اشاره مي كند هيچ كس را نمي توان وادار ساخت تا عقايد مذهبي و مسلكي خود را بيان دارد و هيچ كس را نمي توان به خاطر عقايد مذهبي و مسلكي خود مورد آزار و اذيت قرار داد .

اصل بيست و يكم :

والدين آزادند تا زماني كه فرزندان شان به سن قانوني نرسيده اند آنها را مطابق ميل خود مورد آموزشهاي مذهبي و فرهنگي و اخلاقي قرار دهند .

اصل بيست و دوم :

نشر عقايد آزاد است . بر اين اساس تاسيس و اداره رسانه هاي گروهني و جمعي مانند تلويزيونها و راديوهاي خصوصي ، تاسيس و اداره پايدگاههاي اينترنتي و كامپيوتري ، مطبوعات ، نشر كتب و مقالات و تاسيس و فعاليت هر رسانه تبليغي و گروهني ديگر از حقوق تمام شهروندان ايران است و هيچ كس نمي تواند اين حقوق را محدود يا ملغي كند مشروط به اينكه اين رسانه هاي گروهني :

۱- مروج و مبلغ تجزيه طلبي و جدائي قسمتهايي از خاك ايران نباشند يا وحدت و حاكميت ملي را تضعيف نكند .

۲- مروج و مبلغ احساسات نژاد پرستانه ، تبعيض جويانه ، سلطه جويانه و رفتارهاي تحقير آميز عليه قوميتها و مذاهب گوناگون نباشد و ارزشهاي منافي حقوق بشري و قوانين مصرح در آن را تبليغ و ترويج نكند .

۳- تشكيل و تاسيس گروههاي تروپستي و غير دمكراتيكي يا گروههاي شبه نظامي و نظامي يا گروههاي غير علني و سري را ترويج و تبليغ نكند و يا از آنها حمايت و پشتيباني نكند .

۴- مروج بي اخلاقي و نافي عفت عمومي نباشد .

۵ - زیر پاگذاری قوانین و مقرراتی که جرم محسوب می شود را ترویج و تبلیغ نکند .

تشکیل و تاسیس رسانه های گروهی و نشر عقاید به هر وسیله ای نیاز به دریافت مجوز از هیچ مقام و ارگانی ندارد .
تنها ثبت اسم و علائم برای جلوگیری از تداخل اسامی با سایر کتب و روزنامه ها و یا سایر رسانه ها بر طبق قوانین ثبت علائم و اسامی ضرورت دارد .

انحلال و جلوگیری یا توقیف فعالیت رسانه ها و نشر عقاید به طرق گوناگون تنها با حکم قضایی امکان پذیر است .

رسانه های گروهی نمی توانند منابع مالی خود را از دولت و عموم مردم مخفی کنند قوانین و مقررات می تواند در این زمینه قوانینی را وضع کند .

اصل بیست و سوم :

حق دسترسی به اطلاعات و اخبار برای کلیه شهروندان ایران مغتنم است . هیچ کس را نمی توان از دسترسی به رسانه های گروهی آزاد برای دریافت اطلاعات و اخبار محدود ساخت .

بخش دوم : حقوق سیاسی و مدنی

برگزاری تجمعات اعتراضی

اصل بیست و چهارم :

برگزاری تجمعات اعتراضی ، راهپیماییها ، اعتصابات ، تحصنات مسالمت آمیز ، نافرمانیها و مبارزات مدنی ، پخش اعلامیه و شب نامه ، برگزاری میتینگهای اعتراضی و جلسات سخنرانی همگی آزادند مشروط به اینکه :

۱- به هدف تجزیه طلبی و جدایی قسمتهایی از خاک ایران نباشند یا وحدت و حاکمیت ملی را تضعیف نکند .

۲ - به هدف بسط و گسترش احساسات نژاد پرستانه ، تبعیض جویانه ، سلطه جویانه و تحقیر آمیز علیه قومیتها و مذاهب گوناگون نباشند و منافی ارزشهای حقوق بشری و قوانین مصرح در آن نباشند .

۳- خطر جانی برای دیگران به همراه نداشته باشد و سلامتی هیچ شهروندی را مختل نکند .

۴ - مروج بی اخلاقی و نافی عفت عمومی نباشد .

۵ - به هدف تشکیل گروههای شبه نظامی و نظامی ایجاد نشده باشند یا بصورت شبه نظامی و نظامی اداره نشود .

همچنین هرگونه برگزاری راهپیماییهای مسلحانه و هرگونه حرکتی تروریستی اعم از بمب گذاری ، گروگان گیری ، ترور و هر گونه مبارزه ای که منجر به خطر انداختن جان و سلامت مردم باشد ممنوع است و جرم محسوب می شود .

قوانین و مقررات می تواند حق شرکت در اجتماعات را برای نیروهای مسلح یا قضات دادگستری یا بعضی از مسئولین حکومتی که دارای شرایط خاصی هستند را محدود سازد .

اصل بیست و پنجم :

برگزاری تجمعات اعتراضی ، راهپیماییها ، اعتصابات ، تحصنات مسالمت آمیز ، برگزاری نافرمانیها و مبارزات مدنی ، برگزاری میتینگهای اعتراضی و جلسات سخنرانی حتی در مراکز عمومی شهر نیازی به مجوز قانونی ندارد مگر مخل کننده سلامت و بهداشت عمومی باشد یا خطر جانی و جسمی برای دیگران به همراه داشته باشد .

اجتماعات در اماکن عمومی شهر که به نوعی مخل کننده نظم عمومی بوده یا برای دیگر شهروندان آزار و اذیتی به

همراه داشته باشد باید پیشاپیش به اطلاع مقامات رسانده شود تا اقدامات لازم جهت برقراری نظم عمومی و جلوگیری از آزار و اذیت دیگر شهروندان بعمل آورده شود یا تسهیلات لازم برای استفاده از ساختمانهای عمومی ، خیابانها ، میادین و یا استفاده از وسایل ارتباط جمعی مهیای گردد . بهرحال مقامات دولتی نمی توانند چنین اجتماعی را ممنوع کنند یا کسی را به عنوان برگزار کننده یا شرکت کننده آن بازداشت یا محکوم کنند . همچنین هر گونه تخریب و ویرانگری امکانات عمومی یا خصوصی ممنوع است .

تشکیل گروهها و احزاب

اصل بیست و ششم :

تشکیل احزاب و گروهها ، برپایی تشکلات سیاسی و مدنی ، تشکلات محیط زیستی و حقوق بشری ، تشکلات کارگری و صنفی و یا برپایی هر گونه تشکلات غیر دولتی آزاد است مشروط به اینکه :

- ۱- به هدف تجزیه طلبی و جدایی قسمتهایی از خاک ایران نباشند یا وحدت و حاکمیت ملی را تضعیف نکند.
- ۲- به هدف بسط و گسترش احساسات نژاد پرستانه ، تبعیض جویانه ، سلطه جویانه و مروج رفتارهای تحقیر آمیز علیه قومیتها و مذاهب گوناگون نباشد و منافای ارزشهای حقوق بشری و قوانین مصرح در آن نباشند .
- ۳- خطر جانی برای دیگران به همراه نداشته باشد و سلامتی هیچ شهروندی را مختل نکند .
- ۴- مروج بی اخلاقی و نافی عفت عمومی نباشد .
- ۵- به هدف تشکیل گروههای شبه نظامی و نظامی ایجاد نشده باشد یا بصورت شبه نظامی و نظامی اداره نشود .
- ۶- به هدف زیر پاگذاری قوانین و مقرراتی که جرم محسوب می شود تشکیل نشده باشد .

تشکیلات داخلی و عملکرد احزاب و گروهها بایستی دموکراتیک و علنی باشد . هیچ گونه تعهدی را نمی توان بر گروهها و احزاب به جز ثبت آن در ادارات محلی یا مرکزی مطابق مقررات قانونی به منظور عدم تداخل نام و علائم آنها تحمیل نمود . ثبت گروهها و احزاب صرفا مشروط به داشتن اساسنامه هایی دموکراتیک و آزاد است .

انحلال و جلوگیری از ادامه فعالیت گروهها و احزاب تنها با حکم قضایی امکانپذیر است .

اصل بیست و هفتم :

قوانین و مقررات می تواند حق تشکیل گروهها و احزاب و یا حق شرکت در آنها را برای نیروهای مسلح یا قضات دادگستری یا بعضی از مسئولین حکومتی که دارای شرایطی خاص هستند را محدود سازد . همچنین قوانین و مقررات می تواند در حمایت از وحدت ملی و حفظ همبستگی تاسیس و فعالیت گروهها و احزابی را که بر مبنای قومیت ، زبان و مذهب تشکیل شده اند را محدود یا منحل سازد .

اصل بیست و هشتم :

هیچ حزب و گروهی یا هیچ فرد و شخصی نمی تواند در رقابتهای سیاسی از یک کشور بیگانه کمک مالی دریافت کند . احزاب ، گروهها و رسانهای گروهی به منظور جلوگیری از مداخله یک کشور خارجی و به منظور شفافیت در عملکردهایشان نمی توانند منابع درآمدی خود را از عموم مردم و اعضای خود مخفی نگه دارند .

اصل بیست و نهم :

بر خلاف اراده هیچ کس نمی توان کسی را وادار به پیوستن به حزب ، گروه یا مذهب و مسلکی خاص نمود . هر کس حق دارد بنا به اختیار خود از حزب ، گروه یا مذهب و مسلکی خاص خارج و آزادانه به حزب یا گروه و مذهب و مسلکی دیگر بپیوندد .

شرکت در انتخابات

اصل سي ام :

حق شرکت در اداره امور عمومي کشور براي همه شهروندان ايران در حدود قوانين مورد احترام است . همه شهروندان ايران اعم از زن و مرد که به سن قانوني رسیده اند ، حق شرکت در انتخابات را دارند . هيچ کس را تحت هيچ عنوان نمی توان وادار به رای دادن یا رای دادن به شخصي خاص نمود . رای گیرها بصورت فردي و به صورت آزاد و مخفي صورت مي گیرد و رای همه شهروندان ايران داراي ارزشي برابر هستند و رای هيچ شهروندي بر ديگري ارجحيت ندارد . شرکت در انتخابات يك وظيفه مدني است .

اصل سي و یکم :

هيچ کس را نمی توان به دلایل سياسي از مليت ، اهليت قانوني و نام خودش محروم کرد .

اصل سي و دوم :

هر گونه محدوديت مستقيم و غير مستقيم بر حقوق شهروندان ايران ، برتري جويي نژادي و ملي ، ستيزه جويي و تحقير يکديگر به موجب قانون ممنوع است و موجب مجازات مي شود . همچنين هر گونه عملي که هدف آن از بين بردن وحدت ملي شهروندان ايران باشد یا ایجاد تبعیضات نژادي ، مذهبي یا عقیدتي و تبعیضات فرقه اي و منطقه اي باشد ممنوع است و جرم محسوب مي شود .

اصل سي و سوم :

با تصویب قانون می توان ثبت نام به منظور فعالیت در احزاب سياسي را براي قضات ، اعضاي فعال و دائمي نيروهاي مسلح و کارمندان و مأموران پلیس ، نمایندگان سياسي و کنسولي در خارج از کشور و اتباع خارجي را محدود ساخت . قانون ، چگونگی تشکیل ، تشکل های صنفی و حرفه اي قضات و دادستانها و ساير مسئولین نامبرده را معین مي سازد .

احترام به حریم خصوصي افراد

اصل سي و چهارم :

خانه از تجاوز مصون است . هر گونه ورود به حریم خصوصي افراد ، هرگونه سوء استفاده از مسائل جنسي و عاطفي ، هر گونه سوء استفاده از مسائل شخصي و خانوادگی ، طبط و فاش کردن مکالمات تلفني ، افشاي مخابرات تلگرافي و تلکسي یا اینترنتی و رسانه اي ، سانسور و عدم مخابره ارتباطات ، استراق سمع و هرگونه تجسس در مسائل شخصي و خصوصي افراد و افشاي آنها ، یا تهدید به افشاي آنها ، چه توسط مسئولین حکومتی و چه توسط افراد ديگر ممنوع است و جرم محسوب مي شود .

در مورد مسائل تروريستي مانند گروگان گيري ، بمب گذاري ، تهدید جاني براي ديگران ، جاسوسي ، تهدید امنيت ملي و موارد ديگر که قانون مشخص مي کند ، اجازه استراق سمع و تجسس صرفا با دستور قاضي صادر مي شود که در این صورت سوء استفاده از مسائل جنسي و عاطفي یا جاسوسي و تجسس در مسائل شخصي و خانوادگی افراد و افشاي آنها یا تجسس در مسائل بي ارتباط به جرم ممنوع است و جرم محسوب مي شود . در مقابل دستور قاضي و نحوه عملکرد مامورين مي توان به ديوان عالي قضايي شکايت کرد .

در مورد جلوگیری از خطري عاجل یا در مواردی محرز که جان شخصي به مخاطره افتاده باشد یا شخصي به کمک سريع احتياج داشته باشد و امکان کسب اجازه از صاحب ملک وجود نداشته باشد یا جان و سلامتي کسی در خطر باشد مامور مسئول یا شخصي که قانون معین مي کند مي تواند بدون اجازه قبلي به مسکن داخل شده و به کمک شخص نیازمند بپردازد بدون اینکه در خانه تجسس کرده یا به جاهايی که لزومي ندارد رفت و آمد کند . در چنین مواردی حق اعتراض به محاکم قضايي براي مالک محفوظ است . در مورد جرم مشهود و محرز مي توان قوانيني در مبارزه با جرائم مشهود و محرز وضع کرد .

ضوابط بازرسيها و تفتيشهاي که به دلایل بهداشتي و یا حصول مقاصد اقتصادي و مالياتي صورت می گیرد از طريق قوانين خاص معین مي گردد .

حقوق مساوي براي همه شهروندان ايران

اصل سي و پنجم :

مردم ايران از هر قوم و قبيله اي كه باشند از حقوق مساوي برخوردارند رنگ ، نژاد، زبان ، مذهب ، تقدس مذهبي و قومي ، جنسيت ، پست و مقام ، فقر و غني و مانند اينها هيچ کدام سبب امتياز شخصي بر شخص ديگر نخواهد شد .

اصل سي و ششم :

هر كس حق دارد از زندگي و آزادي و امنيت برخوردار باشد . آزادي و امنيت حق مسلم همه شهروندان ايران است . آزادي هيچكس را نميتوان محدود كرد ، مگر در مواردی كه قانون صريحا معين مي سازد . همچنين نبايد شرافت و حيثيت هيچ شهروندي مورد تعرض غير قانوني قرار بگيرد .

بخش سوم : قوانين مربوط به حقوق بشر

قوانين مربوط به اعدام

اصل سي و هفتم :

حق حيات براي كليشه شهروندان ايران مغتنم است . هيچ كس را نمي توان بصورت خودسرانه و بدون محاکمه از حق حيات محروم كرد .

اصل سي و هشتم :

مجازات اعدام ممنوع است . بر اين اساس قوه قضاييه موظف است جز در موارد نادر و جز در مهمترين جنايات و كشتارها قانون اعدام را به كلي لغو نمايد . در مواقع نادر چنين حكمي نمي تواند بدون رضايت هيأت منصفه و بدون تائيد مراجع زير صلاح ديگري كه قانون معين مي كند به اجرا در آيد همچنين نبايد مجلس شوراي ملي با چنين مجازاتي مخالف باشد .

اصل سي و نهم :

در مواقع نادر به هيچ روي نمي توان حكم اعدام را براي جرمهايي كه در زير سن ۱۸ سال اتفاق مي افتد يا براي كساني كه اختلالات روحي و رواني دارند به اجرا در آورد . همچنين حكم اعدام نبايد در دوران بارداري زنان اجرا گردد .

نفي كليشه اشكال بندگي و بردگي

اصل چهلم :

هيچ كس را نمي توان در بندگي نگاه داشت ، هر گونه بردگي و تجارت برده با تمام اشكال آن ممنوع است و هيچ كس را نمي توان در خدمت يا كار اجباري و انجام عمل تحميلي نگاه داشت .

كار اجباري يا تحميلي ممكن است در زمان جنگ يا بروز حوادثي مانند قحطي و دفع آفات و بلاياي طبيعي و ساير حالاتي كه حيات و آسايش عامه مورد تهديد قرار مي گيرد در قوانيني شفاف و روشن از اين امر مستثني گردد .

تحميل كار اجباري در هر شرايطي بر كودكان ممنوع است .

اصل چهلم و يكم :

اساس نيروهاي دفاعي ايران مبتني بر استفاده از نيروها و كادرهاي حرفه اي و دائمي است . بر اين اساس دولت

موظف است پس از فراهم آوری شرایط لازم خدمت نظام وظیفه عمومی را جز در موارد نادر مانند جنگ به کلی ممنوع نماید . تا لغو کامل چنین قانونی به هیچ روی نمی توان توقع بیش از يك سال خدمت نظام وظیفه عمومی را برای هر شخصی داشت .

همچنین هیچ فرد غیر نظامی و هیچ فرد مشمول نظام وظیفه عمومی را نمی توان بر خلاف وجدانش وادار به استفاده از اسلحه کرد . در مواقع نادر چنین افرادی باید به خدمت دیگری مانند خدمات اجتماعی گماشته شوند که مستلزم بکارگیری اسلحه نباشد در چنین مواقعی این دوره نباید از خدمت نظام وظیفه بیشتر باشد .

بخش چهارم : حقوق شهروندی

حقوق مربوط به مالکیت

اصل چهل و دوم :

مالکیت از تعرض مصون است . مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است . نظام سیاسی ایران حق مالکیت خصوصی را برای کلیه شهروندان ایران مغتنم می شمارد و مالکیت هیچ گروه یا هیچ شخصی را بر خلاف قانون از ایشان سلب نمی کند . سلب مالکیت فقط به منظور خیر عامه و برای اجرای طرح های عمرانی یا اصلاحات ارضی عام المنافع مجاز است و امکان آن فقط بوسیله قانونی که میزان جبران خسارت را به نرخ روز معین می کند صورت می گیرد دولت در چنین مواقعی مکلف به پرداخت قیمت روز و جلب رضایت مالک است . حق رجوع و حق اعتراض به دادگاههای عمومی برای مالک همواره محفوظ است .

اصل چهل و سوم :

ثروت های عمومی از قبیل زمین های موات یا رها شده ، معادن ، دریاها ، دریاچه ها ، رودخانه ها و سایر آبهای عمومی ، کوه ها ، دره ها ، جنگل ها ، نزارها ، بیشه های طبیعی ، مراتعی که حریم خصوصی افراد به حساب نمی آیند یا ارث بدون وارث و اموال مجهول الصاحب و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می شود ، در اختیار نظام سیاسی ایران قرار دارد تا بر طبق مصالح عامه مورد استفاده قرار گیرد .

اصل چهل و چهارم :

مالکیت عمومی غیر قابل نقض بوده و اموال بخش دولتی نیز از هر گونه تعرض مصون است . قانون ، چارچوب حقوقی اموال دولتی و مشترک را بر اساس اصول غیر قابل انتقال بودن ، غیر قابل مصادره بودن ، استفاده اختصاصی نکردن و بی توجهی نکردن به آن ، معین خواهد ساخت . دولت و مردم مسئول حفظ و حمایت از اموال مزبور میباشند . هر گونه تعرض و تجاوز به آنها در حکم تعرض و تجاوز به همه جامعه تلقی خواهد شد و هیچ کس حتی دولت نمی تواند بدون حکم قانون این اموال را واگذار یا به فروش برساند یا هدیه دهد . تفصیل و ترتیب استفاده از هر يك را قانون معین می کند .

اصل چهل و پنجم :

حقوق مالکیت از طریق ارث یا وصایات محترم است . نظام سیاسی ایران به حق بهره مندی همه اقشار جامعه ایرانی از حقوق مربوط به ارث و وصایات احترام می گذارد و آن را تضمین می کند حدود و نحوه اجرای این حقوق را قانون معین میسازد .

حقوق مربوط به تابعیت و پناهندگی

اصل چهل و ششم :

اتباع خارجی و افراد بدون تابعیت که در ایران زندگی میکنند دارای حقوق و آزادیهای مصرح در قانون و از جمله حق مراجعه به دادگاه و دیگر دستگاه های دولتی برای دفاع از حقوق شخصی و دارایی و حقوق خانوادگی خود می باشند با چنین افرادی نمی توان مغایر اصول انسانی مصرح در قوانین ملی و بین المللی برخورد کرد . این حقوق ممکن است

در مواردی مانند کسب مقامات سیاسی در ایران یا شرکت در انتخابات و قوانینی از این دست محدود گردد . خارجیان و افراد بدون تابعیت در ایران موظفند قانون اساسی و سایر قوانین جنبی را محترم شمارند .

اصل چهل و هفتم :

اتباع خارجه می توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت این گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند .

اصل چهل و هشتم :

استرداد پناهندگان سیاسی ممنوع است . در مورد پناهندگان سیاسی در صورتی که خطری متوجه فرد پناهنده باشد نمی توان بدون موافقت فرد پناهنده او را به کشور خود یا کشوری که خطری را متوجه او می سازد بازگرداند و یا نمی توان بدون اینکه کشور دیگری پناهندگی او را بپذیرد از کشور اخراج نمود . حق اعتراض در مراجع صلاحیت دار برای همه پناهندگان محفوظ است . همچنین نظام سیاسی ایران تضمین می کند هیچ قانونی مخالف معاهدات بین المللی در ترضیع حقوق ایشان وضع نگردد .

اصل چهل و نهم :

تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند ، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری در آید .

اصل پنجاهم:

هرکس حق دارد برای گریز از هر گونه شکنجه و فشاری به جایی پناهنده شود . همچنین می تواند در سایر کشورها از پناهندگی استفاده کند . در جرایم غیر سیاسی یا اموری که مخالف با اصول و هدفهای ملل متحد باشد نمی توان از حق پناهندگی استفاده کرد .

اصل پنجاه و یکم :

دولت موظف است از حقوق همه اتباع ایران در خارج از کشور حمایت نماید .

اصل پنجاه و دوم :

استرداد مجرمین تنها براساس قراردادهای دو جانبه و در چهارچوب معاهدات بین المللی امکانپذیر است . جرایم سیاسی و عقیدتی از این قانون مستثنی هستند و تروریسم يك جرم سیاسی محسوب نمی شود .

اصل پنجاه و سوم :

هر ایرانی حق دارد در هر جایی ایران زندگی کند و مسکن اختیار کند ، هیچکس را نمی توان از زندگی در محل مورد علاقه اش منع کرد ، حق سفر به کشورهای دیگر و حق انتخاب محل زندگی و حق بازگشت به کشور از حقوق همه شهروندان ایران است و هیچ کس را نمی توان بر خلاف قانون از این حقوق منع کرد . در مواردی مانند تأمین بهداشت عمومی یا بروز بیماریهای مسری و موارد دیگری که قانون معین می کند ممکن است این حقوق محدود یا ملغی گردد البته دلایل سیاسی یا ایدولوژیکی هیچگاه نمی تواند محدودکننده قانون مذکور باشد .

لزوم پایبندی شهروندان به قانون

اصل پنجاه و چهارم :

پیروی از قانون اساسی و حرکت در چهارچوب قوانین ملی و میهنی از وظایف کلیه شهروندان ایران است . بی خبری از احکام و مقررات ملی نمی تواند عذر و بهانه ای برای ارتکاب جرم یا زیر پاگذازی قوانین و مقررات باشد بر همین اساس دولت و نظامی سیاسی ایران موظف است در راستای اطلاع رسانی همگانی ، قوانین و مقررات ملی و میهنی را در

میان توده‌های ملی و مردمی بسط و گسترش داده و آنها را از حقوق خویش آگاه سازد .

در تفسیر قانون اساسی

اصل پنجاه و پنجم :

هیچ شخصی نمی تواند با سواستفاده از حقوق و آزادیهای مندرج در این قانون اساسی ، بر ضد استقلال ، تمامیت ارضی ، حاکمیت ملی و وحدت ملی عمل نماید .

اصل پنجاه و هشتم :

هیچ يك از اصول قانون اساسی را نمی توان به گونه ای تفسیر کرد که با اصول دیگر در تضاد باشد یا هیچ يك از اصول قانون اساسی را نمی توان بدون در نظر گرفتن اصول دیگر تفسیر کرد .

بخش پنجم : حق بهره مندی از آموزش و پرورش

اصل پنجاه و هفتم :

هر کس حق دارد از تعلیم و تربیت استفاده کند . تعلیم و تربیت باید دست کم در مورد آموزش مقطع متوسطه رایگان و در مورد آموزشهای اساسی رایگان و اجباری باشد و شرایطی فراهم گردد که همه شهروندان ایران حتی در دور افتاده ترین نقاط ایران بدون در نظر گرفتن نژاد ، مذهب ، قومیت ، زبان و غیره از آن بهره مند شوند . تعلیمات فنی و حرفه ای باید برای همه امکان پذیر باشد و نظام سیاسی ایران موظف است برای ریشه کنی بیسوادی با آن مبارزه دائم و مستمر کند .

اصل پنجاه و هشتم :

دسترسی به تعلیمات عالی دولتی یا استفاده از هر گونه بورسیه و کمک هزینه‌های تحصیلی دولتی صرفاً باید بر اساس شایستگی ها و تواناییهای علمی داوطلبین و تواناییهای خلاقیتی و ابتکاری آنان باشد و برای هیچ کس نمی توان امتیازات ویژه برای ورود به دانشگاههای دولتی یا استفاده از بورسیه های علمی ، تحقیقی ، پژوهشی و تحصیلی در نظر گرفت .

اصل پنجاه و نهم :

دولت موظف است با توجه به امکانات دولتی و ملی خود و با توجه به پرداخت بورسیه ها و کمک هزینه های تحصیلی به نسبت سطح بهرمندی مالی شهروندان ، شرایطی را فراهم آورد که تحصیلات عالی و تکمیلی و تحصیلات فنی و حرفه ای برای همه شهروندان ایران تسهیل گردد .

اصل شصتم:

هدف تعلیم و تربیت باید شکوفایی کامل شخصیت بشری و تقویت احترام به حقوق بشر و آزادیهای مصرح در آن و تقویت احساس میهن دوستی و دگر دوستی و گسترش علم و هنر و ادب و فرهنگ و پاسخ به ضرورت‌های ناشی از تحولات اقتصادی و اجتماعی و پیگیری برنامه های توسعه و ایجاد يك نسل مترقی و مدرن و آزادیخواه و دمکرات باشد . تعلیم و تربیت باید بر حسن تفاهم و گذشت و دوستی بین همه ملتها و همه گروهها ، قومها و نژادها و همه دینها ، کیشها و مسلکها استوار باشد . همچنین آموزش و پرورش باید به گونه ای باشد که گسترش فعالیت‌های سازمان ملل متحد را برای حفظ صلح تسهیل بخشد .

اصل شصت و یکم :

نظام سیاسی ایران حقوق مولفین ، مخترعین ، کاشفین و مبتکرین را تضمین می نماید و به حق بهرمندی کلیه شهروندان ایران از آزادیهای مربوط به ایجاد و خلق آثار ادبی ، هنری ، علمی و فنی احترام می گذارد و تحقیقات و

پژوهش های علمی و هنری و فرهنگی و ادبی را حمایت و تشویق می کند و استفاده موثر از نتایج چنین تحقیقاتی و پژوهش هایی را مطابق قوانین جنبی تقویت و حمایت می کند و برای آنها پاداش مناسبی در نظر می گیرد .

اصل شصت و دوم :

تاسیس و اداره مراکز آموزش عالی ، عمومی و اختصاصی وظیفه نظام سیاسی ایران است . نظام سیاسی ایران در چهارچوب استاندارد آموزش های ملی و میهنی ، حق تاسیس و اداره مراکز آموزش عالی و عمومی و اختصاصی را به کلیه شهروندان ایران و اتباع خارجی واگذار می نماید و چنین مراکزی را مورد تشویق و حمایت قرار می دهد .

اصل شصت و سوم :

نظام سیاسی ایران در حدود قوانین به استقلال و خود مختاری دانشگاه ها احترام می گذارد و اجرای چنین حقوقی را تضمین می کند و معلمان ، اولیاء و دانش آموزان در کنترل و مدیریت مراکز تحصیلی دولتی دخالت خواهند داشت . قانون شرح بیشتر این اصل را معین کند .

بخش ششم : حقوق مربوط به کارگران و کارمندان

اصل شصت و چهارم :

هر کس حق دارد در مقابل کار مساوی ، بدون هیچ گونه رعایت امتیاز ، حق دستمزد مساوی داشته باشد .

اصل شصت و پنجم :

هر کس حق کار و حق برگزیدن آزادانه کار با شرایط عادلانه و ارضا کننده دارد و هیچ کس را نمی توان از این حقوق منع کرد .

اصل شصت و ششم :

حق انتخاب حرفه ، شغل و کار ، مطابق با ذوق ، استعداد ، مهارت حرفه ای و تحصیلات با توجه به نیازمندیهای اجتماعی مورد حمایت کامل دولت قرار دارد .

اصل شصت و هفتم :

دولت بایستی از حقوق اقتصادی و اجتماعی کارگران ایرانی مقیم خارج از کشور دفاع نموده و سیاست های خود را در بازگشت آنان متمرکز نماید .

اصل شصت و هشتم :

تشکیل اتحادیه های صنفی کارگران آزاد است .

هر کس حق دارد برای پشتیبانی از منافع خود ، با دیگران تشکیل اتحادیه های کارگری داده و یا عضو اتحادیه های کارگری شود و یا به اختیار خود از آنها خارج گردد .

هیچ گونه تعهدی را نمی تواند بر اتحادیه به جز ثبت آن در ادارات محلی یا مرکزی مطابق مقررات قانونی تحمیل کرد .

ثبت اتحادیه های کارگری مشروط به داشتن اساسنامه ایی است که تشکیلات داخلی و عملکرد آنها دموکراتیک باشد .

اتحادیه های کارگری می توانند در دفاع از حقوق کارگران از ابزارهای دموکراتیک مانند اعتصاب ، تجمعات اعتراضی ، راهپیمایی و موارد دیگری که در قانون اساسی و قوانین جنبی بدان اشاره شده است استفاده نمایند .

سندیکاهای به ثبت رسیده دارای شخصیت حقوقی میباشند .

اصل شصت و نهم :

هر کس حق دارد در مقابل کار ، دستمزدی منصفانه و ارضا کننده که برای او و خانواده اش وجه معیشتی شایسته حیثیت کمال یافته انسان فراهم کند دریافت نماید و در صورت مقتضی حق دارد از کلیه وسایل حمایت اجتماعی استفاده نماید و در مقابل بیکاری مورد حمایت دولت قرار گیرد .

اصل هفتادم :

حقوق کارگران و شرایط محیطی کارگران نباید از حداقلهای مقرر شده در قانون کمتر باشد و و زمان کار آنها نباید از حداکثرهای مقرر شده در قانون بیشتر باشد مگر اینکه اضافه کار آنها مستلزم قراردادی مضاعف باشد .

اصل هفتاد و یکم :

قانون ، حداکثر زمان یک روز کاری را معین مینماید . هر کس حق استراحت و استفاده از ایام فراغت دارد و هر کس حق دارد از تعطیلات هفتگی و مرخصی سالیانه استفاده کند ، منجمله حق دارد ساعات کارش بطور معقولی محدود باشد و از مرخصی نوبتی با دریافت حقوق و حقوقی مکفی استفاده کند و امکانات مساعد برای استراحت در محل زندگی یا کارشان را داشته باشد دولت موظف است مجموعه قوانینی عادلانه در حمایت از حقوق کارمندان و کارگران و کلیه شهروندان ایران تنظیم نماید تا چنین حقوقی مورد تعرض قرار نگیرد .

اصل هفتاد و دوم :

نظام سیاسی ایران حق دستیابی به انتصابات و مشاغل دولتی را برای کلیه شهروندان ایران بدون در نظر گرفتن دین و آیین و منش و مسلک آنها و بدون در نظر گرفتن هیچ امتیاز ناعادلانه ای تضمین می کند . انتصاب به مشاغل دولتی صرفاً باید بر اساس شایستگی های علمی ، مهارتی و مدیریتی باشد . همچنین کلیه شهروندان ایران که عهده دار مشاغل دولتی می گردند ملزم به ایفای وظایف خود به نحوی منظم و شرافتمندانه هستند و در مواردی که قانون مقرر داشته ملزم به ادای سوگند می باشند .

اصل هفتاد و سوم :

دولت موظف است در صورت بروز حادثه ، بیماری ، ازکارافتادگی ، کهنسالی و بیکاری اجباری ، بیکاری یا کهولت سن ، مزایای تأمین اجتماعی و رفاهی را برای همه کارگران ایران متناسب با نیازهای زندگی اجتماعی آنان فراهم سازد . همچنین مددکاری خصوصی آزاد است .

اصل هفتاد و چهارم :

دولت موظف است شرایط کار را بهبود بخشیده و سطح زندگی ، تجربه و فرهنگ کارگران را افزایش دهد . دولت موظف است برای بهبود شرایط کار و حفظ اصول ایمنی آن و همچنین از میان بردن کارهای سخت بدنی از طریق سازماندهی علمی به مکانیزه کردن امر تولید در همه رشته های اقتصاد ملی اهتمام ورزد .

این حق ممکن است از طریق بسط و گسترش آموزش های حرفه ای رایگان ، بالابردن سطح مهارت در کار از طریق آموختن تخصصهای جدید و گسترش سیستم راهنمایی حرفه ای یا در اختیار قرار دادن نتایج تحقیقات و پژوهش های ملی و میهنی و استفاده از آخرین تجهیزات و تکنولوژی روز تأمین و تعقیب گردد .

همچنین دولت موظف است از طریق پیشبینی طرحهای لازم ، وسایل و امکاناتی را فراهم کند که کارگران بتوانند تعطیلات خود را در محیط هایی که سبب بهبود سلامت آنان شده و استعدادهای فرهنگی ، هنری ، علمی و آموزشی آنان را افزایش می دهد سپری کنند .

بخش هفتم : حقوق مربوط به رفاه و تامین اجتماعی

اصل هفتاد و پنجم :

معلولین جسمی و روحی ، سالمندان ، جانبازان ، بیماران خاص و ناعلاج ، بیماران دارای بیماریهای پرهزینه و ویژه ، بی خانمانان ، متکدیان ، زنان بی سرپرست ، زنان شیرده و باردار ، بچه های بی سرپرست ، بیکاران و سایر آسیب دیدگان اجتماعی همگی تحت حمایت کامل دولت قرار دارند ، دولت موظف است از طریق بیمه های اجتماعی و سایر سیاستهای رفاهی و تأمین شرایط رفاهی و اجتماعی این شهروندان را مطابق امکانات و شرایط خود فراهم کرده و در جهت آموزش و تقویت بنیه مالی و خودکفایی این شهروندان و تأمین بهداشت جسمی و روحی آنان و همچنین پر کردن اوقات فراغت این شهروندان کوشش نماید .

اصل هفتاد و ششم :

هر کس از حیث اینکه عضو جامعه محسوب است حق دارد از تأمین اجتماعی برخوردار گردیده و می تواند به کمک کوشش های ملی و بین المللی با توجه به سازمان و امکانات کشور از حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی که با حیثیت و تکامل آزاد شخصیت انسانی ملازمه نداشته باشد بهره مند گردد . دولت موظف است خصوصاً برای اقشار کم در آمد و بی بضاعت شرایط تأمین اجتماعی را متناسب با فراهم آوری یک زندگی حداقل فراهم سازد .

اصل هفتاد و هفتم :

هرکس حق دارد از سطح یک زندگانی برخوردار باشد که سلامت و رفاه او و خانواده اش ، منجمله خوراک و لباس و مسکن و رسیدگی های پزشکی آنان تأمین گردد . همچنین حق دارد از خدمات ضروری اجتماعی در هنگام بیکاری و بیماری و درمانده گی و بوه گی و پیری یا در سایر مواردی که بنا به اوضاع و احوالی بیرون از اراده او ، وسایل معاشش مختل شده استفاده کند . بر این اساس دولت موظف است با اتخاذ تدابیر خاص این شرایط را برای همه شهروندان ایران فراهم سازد .

اصل هفتاد و هشتم :

بهداشت و تندرستی حق همه شهروندان ایران است . نظام سیاسی ایران ، بهداشت عمومی را از طریق گسترش موسسات درمانی و بهداری و تولیدات بهداشتی ، پیشگیری از بیماریها ، اتخاذ تدابیر لازم برای بهسازی محیط زیست ، توجه به تندرستی اطفال ، منع کار بدون آشنایی با اصول فنی و حرفه ای ، تلاش در جهت کاهش بیماریها و افزایش طول عمر را به عنوان یک حق اساسی برای همه شهروندان ایران مورد حمایت کامل قرار دهد و بهداشت رایگان برای افراد بیبضاعت را تضمین نماید .

مبارزه با مواد مخدر و مواد زیان آور

اصل هفتاد و نهم :

نظام سیاسی ایران موظف است در حمایت از کانون گرم خانواده و در حمایت از سلامت روحی و روانی شهروندان ایران هر گونه اقدامات لازم از جمله امکانات قانونی ، اداری ، اجتماعی و آموزشی را در مبارزه با مواد اعتیادآور و مخدر که امنیت روانی و اخلاقی خانوادهها را به خطر می اندازد را در چهارچوب قوانین فراهم کند .

حمایت از معلولین

اصل هشتادم :

هر کودک یا فرد معلولی که دارای نقص بدنی یا عقلی باشد باید در عین معلولیت ، یک زندگی شایسته و انسانی داشته و حیثیت او کاملاً حفظ گردد و شرایط شرکت فعال او در زندگی جمعی تسهیل گردد . بر این اساس دولت و نظام سیاسی ایران موظف است اقدامات تأمینی و حمایتی خود نظیر فراهم آوری امکانات اداری ، فنی ، پزشکی ، آموزشی و پرورشی ، تربیتی و تفریحی و تسهیل رفت و آمد معلولین و حمایت از خانوادهها و سرپرستان ایشان را فراهم سازد .

حق داشتن مسکن

اصل هشتاد و یکم :

داشتن مسکن مناسب حق کلیه شهروندان ایران است و هیچکس را نمی توان از این حقوق منع کرد . دولت موظف است با در اختیار گذاشتن تسهیلات مالی مناسب و سهل الوصول مانند وامهای کم بهره یا کمک های بلاعوض و تشویق سیاستهای مسکن سازی و یا در اختیار گذاری زمین های ارزان قیمت و کمکهایی از این دست حق دستیابی کلیه شهروندان ایران را به مسکن مناسب تسهیل نماید همچنین دولت موظف است با در اختیار گذاشتن وامهای کم بهره و سهل الوصول هزینه اجاره مسکن برای افراد نیازمند یا افرادی که هنوز توانایی در اختیار گیری مسکنی را نداشته اند را کاهش داده و آنها را مورد حمایت قرار دهد .

بخش هشتم : حقوق مربوط به کودکان

اصل هشتاد و دوم :

هر کودکی از بدو تولد حق داشتن یک نام را دارد که باید در دفاتر مربوطه ثبت شود . همچنین داشتن تابعیت حق اوست و در صورت امکان باید والدین خود را شناخته و از سوی آنها نگهداری شود .

اصل هشتاد و سوم :

مراقبت و تربیت کودکان حق طبیعی پدر و مادر و تکلیف عمده ایشان است . جدا ساختن کودکان از خانواده بر خلاف اراده افرادی که حق پرورش آنها را دارند فقط بر طبق قانون امکان پذیر است چنین قانونی شامل مواردی که صاحبان این حق در انجام وظیفه خود قصور نمایند یا در صورتی که اطفال در مخاطره غفلت و اهمال واقع شوند صادق است .

اصل هشتاد و چهارم :

کودکان بی سرپرست یا غیر مشروع جهت رشد بدنی و فکری و وضع روانی خود در جامعه قانونا از همان حمایتی برخوردار میشوند که اطفال مشروع بهره مند هستند . بر این اساس دولت موظف است با تنظیم سیاستهای حمایتی خود کمبودهای آموزشی و پرورشی و امکانات رشد و ترقی این کودکان را با به مانند دیگر کودکان جبران نماید .

اصل هشتاد و پنجم :

هر کودکی بدون هیچگونه تبعیض از قبیل نژاد ، رنگ ، جنس ، زبان ، مذهب ، ملیت یا منشاء اجتماعی ، دارائی یا تولد (نسب) که به اقتضای وضعیت خردسالی ایجاد شده است ، حق دارد از اقدامات حفاظتی یا حمایتی خانواده ، جامعه و دولت برخوردار گردد .

اصل هشتاد و ششم :

دولت موظف است در مورد فسخ ازدواج برای حفاظت کودکان بی سرپرست و نحوه واگذاری حضانت کودکان به والدین پیش بینی های لازم را مقرر نماید و آسیب های اجتماعی فسخ ازدواج را به حداقل برساند . همچنین حق کودکان مبنی بر تماس شخصی و مستقیم با پدر و مادر در هنگامی که آنها از هم جدا زندگی می کنند را فراهم نماید مگر اینکه این عمل با منافع کودک در تضاد باشد .

اصل هشتاد و هفتم :

کودکی که والدین او در کشورهای متفاوتی بسر میبرند ، حق دارد با هر دوی آنها بطور شخصی ، منظم و مستقیم تماس داشته باشد ، دولت نمی تواند قوانینی وضع نماید که این حقوق تضییع گردد مگر اینکه این عمل با منافع کودک در تضاد باشد .

اصل هشتاد و هشتم :

دولت موظف است با تکیه بر تمام امکانات قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی، کودکان را در مقابل هر شکل از رفتار سهل انگارانه، نظیر سوء استفاده های جنسی، تجاوز جسمی و روانی، بدرفتاری، شکنجه، استثمار یا هر عمل غیرانسانی دیگر مورد حمایت قرار دهد و در صورت هرگونه آسیبهای اجتماعی، روانی و جسمی، با در اختیار گذاشتن محیط های سالم و مناسب آنها را مورد حمایت کامل قرار دهد.

اصل هشتاد و نهم:

دولت موظف است تمام اقدامهای لازم را انجام دهد تا برای نگهداری از کودکانی که والدین شاغل دارند، یا کودکانی که والدین آنها در زندانها یا بازداشتگاهها بسر می برند امکاناتی مناسب فراهم نماید.

همچنین نظام سیاسی ایران موظف است کودکان بی سرپرست یا کودکانی که بطور موقت یا دایم از آغوش خانواده محروم شده اند و یا بدلیل نفع شخصی باید خانواده را ترک کنند، پیش بینی های لازم را به عمل آورده و چنین کودکانی را مورد حمایت کامل قرار دهد.

اصل نودم:

هرگونه استثمار سکسی و سوء استفاده جنسی از کودکان ممنوع است و جرم محسوب می شود حداقلهای چنین قانونی به شرح زیر است:

(۱) منع تبلیغ و ترویج برقراری ارتباطهای جنسی و سکسی با کودکان یا هر گونه به نمایش گذاشتن چنین ارتباطی

(۲) کودکان حتی با اختیار خود نیز نباید به روابط جنسی غیر قانونی و اجباری یا فاحشه گری کشانده شوند.

(۳) کودکان را نباید در معرض مواد اعتیاد آور و مخدر قرار داد یا آنها را وادار به توزیع چنین موادی کرد.

اصل نود و یکم:

نظام سیاسی ایران تضمین میکنند که امور مربوط به فرزند خواندگی فقط از طرف مسئولین و ارگانهای تعیین شده و مجاز صورت گرفته و در چهارچوب حقوق جاری و قوانین داخلی اجرا و کنترل گردد. دولت موظف است پیش بینی های لازم را در جهت قبول کفالت یا فرزند خواندگی کودک از طرف اشخاص دارای صلاحیت که شکلی از سرپرستی و مواظبت از کودک را دارا هستند را تامین کند. حکومت موظف است در این رابطه به ریشه ها و نیازهای فرهنگی، مذهبی و قومی کودک توجه کرده و تربیت و پرورش بدون انقطاع کودک را در نظر داشته باشد.

اصل نود و دوم:

حکومت تضمین می کند در صورت وقوع فرزند خواندگی بین المللی که صرفاً پیرو منافع کودک صورت می پذیرد، همچنان کودکان را تحت پوشش کامل حمایتهای ملی و میهنی قرار داده و همچنان سرنوشت کودکان را تعقیب نماید.

اصل نود و سوم:

حکومت موظف است جهت مبارزه با انتقال و اقامت غیرقانونی کودکان به خارج از کشور کلیه تدابیر لازم را اتخاذ نماید و هرگونه سود جویی مالی یا بهره کشی شغلی کودکان را متوقف سازد.

اصل نود و چهارم:

نظام سیاسی ایران، به حق کودک برای داشتن سلامتی و استفاده از همه امکانات موجود برای سلامت ماندن، بهبودی و درمان بیماری کودکان احترام گذاشته و تضمین میکنند که هیچ کودکی تحت هیچ شرایطی از این حقوق محروم نماند. بر این اساس نظام سیاسی ایران موظف است تا:

(۱) تعداد مرگ و میر نوزادان و کودکان را کاهش دهد.

۲) خدمات درمانی سراسری برای کودکان را سازمان دهد و از تامین نیازهای اولیه بهداشتی ، اطمینان حاصل کند و به سلامتی مادر قبل و بعد از زایمان توجه کرده و با بیماری ها و کمبود ها یا نامناسب بودن تغذیه کودکان مبارزه نموده و امکان تهیه مواد غذایی و آب آشامیدنی سالم و مناسب را برای آنها فراهم نماید .

۳) به امر آموزش کودکان و والدین توجه نماید و تلاش کند تا کودکان و والدین اصول اولیه بهداشتی و بهزیستی را فرا گیرند .

۴) مراکز مشاوره برای والدین و روشننگری در زمینه تنظیم خانواده را سازماندهی نماید .

۵) جهت مبارزه با خرافات و عاداتی که برای سلامتی کودک زیان بخش هستند ، اقدامات لازم و مناسب را فراهم سازد .

۶) قوانین تکمیلی و تأمین را در احقاق این حقوق وضع نماید .

اصل نود و پنجم :

هیچ کودکی را نمی توان چه توسط دولت و چه توسط خانواد و هر مسئول و شهروند دیگر مورد شکنجه یا هر گونه رفتارهای غیر انسانی و توهین آمیز قرار داد . چنین اعمالی مصداق جرم و شکنجه بوده و دولت موظف کلیه اقدامات لازم را در جلوگیری از چنین اعمالی به عمل آورده و اجرای چنین حقوقی را تضمین نماید .

اصل نود و ششم :

هیچ کودکی را نمی توان استثمار اقتصادی نمود یا مجبور به کارهایی کرد که سلامت جان و تربیت و تکامل کودک را به خطر می اندازد .

اصل نود و هفتم :

هیچ کودکی را نمی توان وادار به جنگ نمود . قوانین جنگی نمی تواند دلیلی برای معلق ماندن حقوق کودکان باشد .

بخش نهم : حقوق زنان و بانوان

اصل نود و هشتم :

زنان و مردان در کسب مسئولیتهای سیاسی و اجتماعی برابر هستند و هیچ زنی را نمی توان صرفا به دلیل زن بودن از کسب مقامهای دولتی و بین المللی یا تحصیلی و شغلی بر حذر داشت . زنان این حق را دارند که در سطوح ملی و بین المللی نماینده موطن خویش باشند .

اصل نود و نهم :

زنان و دختران بعد از سن ۱۸ سالگی ، چه قبل از ازدواج چه بعد از ازدواج ، می توانند با اختیار خود در کلیه حرکتیهای سیاسی و اجتماعی ، دولتی و غیر دولتی ، تحصیلی و شغلی و تفریحی و ورزشی شرکت کنند و هیچ اجبار یا منعی ، از طرف هیچ شخص و هیچ گروهی برای آنان قابل قبول نیست .

اصل صدم :

هیچ دختر یا زنی را نمی توان بر خلاف قانون بعد از سن ۱۸ سالگی از حق کار و ازدواج با فرد مورد علاقه اش محروم ساخت . حق ازدواج و تشکیل خانواده برای مردان و زنانی که به سن قانونی رسیده اند محترم است و برسمیت شناخته میشود .

اصل صد و یکم :

تغییر تابعیت شوهر یا تابعیت خارجی شوهر ، نمی تواند دلیلی برای تغییر تابعیت همسر بر خلاف اراده ایشان باشد .

اصل صد و دوم :

هر کسی مالک جسم و روح خویش است . هرگونه بهره کشی جنسی از بانوان بر خلاف تمایل و رضایت آنها یا به زور و اجبار یا با تهدید و ارعاب و یا بر اساس وعده های کاذب و دروغین یا بر مبنی سوء استفاده از امور خصوصی و شخصی و تهدید به افشاگری آنها ، ممنوع است و جرم محسوب می شود .

اصل صد و سوم :

هر گونه مزاحمت های خیابانی ، آزار و اذیت های جنسی و روانی که امنیت روانی و اجتماعی بانوان را به خطر اندازد ممنوع بوده و جرم محسوب می شود .

اصل صد و چهارم :

نامزدی و ازدواج کودکان غیر قانونی است و کلیه اقدامات از جمله وضع قانون جهت تعیین حداقل سن ازدواج و ثبت اجباری ازدواج در یک دفتر رسمی ضروری است .

اصل صد و پنجم :

نظام سیاسی ایران در حمایت از حقوق زنان و دختران ایرانی و رفع هرگونه تبعیض علیه آنان و همچنین پیگیری سیاست تساوی حقوق زنان و مردان ، کلیه حقوق مربوط به تساوی حقوق زنان و مردان را در زندگی زناشویی به رسمیت شناخته و در حمایت از زنان و دختران مستقل و خوداتکا ایرانی و تشویق آنان به حضور هر چه فعالتر و گسترده تر ، کلیه حقوق زیر را برای آنان در نظر گرفته و اجرای چنین حقوقی را تضمین می نماید .

۱) داشتن حق یکسان برای انعقاد ازدواج

۲) داشتن حق آزادانه و یکسان برای انتخاب همسر و انعقاد ازدواج بر پایه رضایت آزاد و کامل طرفین

۳) داشتن حقوق و مسئولیتهای یکسان در دوران ازدواج و هنگام انحلال آن (جدایی)

۴) داشتن حقوق و مسئولیتهای یکسان به عنوان والدین در موضوعات مربوط به فرزندان ، صرف نظر از وضعیت زناشویی آنها

۵) داشتن حقوق یکسان جهت تصمیم گیری آزادانه و مسئولانه در زمینه تعیین تعداد فرزندان و فاصله زمانی بارداری و دستیابی به اطلاعات ، آموزش و وسایلی که آنها را برای اجرای این حقوق قادر می سازد .

۶) داشتن حقوق و مسئولیتهای یکسان در رابطه با حضانت (سرپرستی) ، قیمومت کودکان و فرزند خواندگی یا رسم های مشابه با این مفاهیم و همچنین حق انتخاب مساوی نام برای کودکان (در کلیه موارد منافع کودکان از اولویت برخوردار است .)

۷) داشتن حقوق یکسان برای هر یک از زوجها در رابطه با مالکیت ، حق اکتساب ، مدیریت ، سرپرستی ، بهره برداری و اختیار اموال ، خواه رایگان باشد یا هزینه ای در برداشته باشد .

۸) داشتن حقوق یکسان زنان در مورد تردد یا مسافرت ، آزادی انتخاب مسکن و اقامتگاه

اصل صد و ششم :

نظام سیاسی ایران در حمایت از حقوق زنان و دختران ایرانی و رفع هرگونه تبعیض علیه آنان و همچنین پیگیری سیاست تساوی حقوق زنان و مردان ، کلیه حقوق مربوط به حق داشتن شغل و آزادی انتخاب شغل و خصوصا در

حمایت از بانوان در دوران بارداری ، کلیه حقوق زیر را برای زنان و دختران ایرانی در نظر گرفته و اجرای چنین حقوقی را تضمین می کند .

۱) حق کار بمتابه حق جدایی ناپذیر تمام افراد بشر

۲) حق برخورداری از فرصت ها و امکانات شغلی یکسان ، شامل ضوابط یکسان در مورد انتخاب شاغلین و کارمندان .

۳) حق انتخاب آزادانه حرفه و شغل ، حق ارتقاء مقام ، تامین امنیت شغلی و تمام مزایا و شرایط خدمتی و حق استفاده از دوره های آموزشی حرفه ای و بازآموزی که شامل کارآموزی ها ، دوره های آموزشی پیشرفته

۴) حق دریافت پاداش یکسان ، دستمزد مساوی از جمله مزایا و برخورداری از رفتار برابر نسبت به ارزیابی کیفیت کار و کارهایی که ارزش یکسان دارند .

۵) داشتن حقوق یکسان در استفاده از وامهای بانکی ، رهن ها و دیگر اشکال اعتبارات مالی .

۶) حق برخورداری از امنیت اجتماعی ، بویژه در موارد بازنشستگی ، بیکاری ، بیماری ، ناتوانی ، دوران پیری و دیگر موارد از کارافتادگی و همچنین حق برخورداری از مرخصی استحقاقی .

۷) حق برخورداری از حفاظت ها و مراقبتهای بهداشتی و امنیت اجتماعی و روانی در محیط های کاری

۸) ممنوعیت اخراج زنان باردار بخاطر حاملگی یا استفاده از مرخصی زایمان و ممنوعیت تبعیض در اخراج زنان بر مبنای وضعیت زناشویی .

۹) دادن مرخصی دوران زایمان با پرداخت حقوق یا مزایای اجتماعی مشابه بدون از دست دادن شغل قبلی ، رتبه یا مزایای اجتماعی .

۱۰) تشویق جهت ارائه خدمات اجتماعی و حمایت های لازم بنحوی که والدین را قادر سازد تا تعهدات خانوادگی را با مسئولیتهای شغلی و مشارکت در زندگی اجتماعی هماهنگ نماید ، بویژه از طریق تشویق به تاسیس و توسعه یک شبکه تسهیلاتی مراقبت از کودکان .

۱۱) ارائه حمایتی ویژه از زنان در دوران بارداری در انواع مشاغلی که اثبات شده است برای آنها زیان آور است .

۱۲) ارائه خدمات مقتضی و لازم در ارتباط با بارداری و زایمان و پس از زایمان و در صورت لزوم اعطاء خدمات رایگان و همچنین تغذیه کافی در دوران بارداری و شیردهی

اصل صد و هفتم :

نظام سیاسی ایران در حمایت از حقوق زنان و دختران ایرانی و رفع هرگونه تبعیض علیه آنان و همچنین پیگیری سیاست تساوی حقوق زنان و مردان و توانمندی علمی و تحصیلی ، فرهنگی و اجتماعی و ارتقا شئون اجتماعی زنان کلیه حقوق زیر را برای زنان و دختران ایرانی در نظر گرفته و اجرای چنین حقوقی را تضمین می کند .

۱) ایجاد شرایط مساوی برای رهنمودهای شغلی و حرفه ای جهت راهیابی به تحصیل و دستیابی مدارک از موسسات آموزشی در تمام سطوح مختلف در مناطق شهری و روستایی . این برابری می بایست در دوره های پیش دبستانی ، عمومی ، فنی ، حرفه ای و آموزش عالی فنی و نیز در تمام انواع دوره های کارآموزی حرفه ای تضمین گردد .

۲) امکان راهیابی به دوره های تحصیلی ، امتحانات ، کادر آموزش با کیفیتهای و معیارهای یکسان و تجهیزات آموزشی با کیفیت های مساوی با مردان تضمین گردد .

۳) حذف هر نوع مفهوم کلیشه ای از نقش زنان و مردان در تمام سطوح و تمام اشکال مختلف آموزشی بوسیله تشویق آموزش مختلط پسران و دختران و دیگر انواع آموزش که دستیابی به این اهداف را کمک خواهد نمود ، بویژه در تجدید نظر متون کتابهای درسی و برنامه های مدارس و تعدیل روشهای آموزشی .

۴) ایجاد فرصتهای یکسان جهت استفاده و بهره مند شدن از بورسها و دیگر مزایای تحصیلی .

۵) ایجاد فرصتهای یکسان برای راهیابی به برنامه های آموزشی مداوم دراز مدت که شامل برنامه های مواد آموزشی عملی بزرگسالان بویژه برنامه هایی که هدف آنها کاهش هر چه سریعتر فاصله آموزشی است که بین زنان و مردان وجود دارد .

۶) کاهش درصد تعداد دانش آموز دختر که ترک تحصیل میکنند و سازماندهی و برنامه ریزی برای دختران و زنانی که قبلا ترک تحصیل کرده اند .

۷) ایجاد فرصتهای یکسان جهت شرکت فعال زنان در ورزش و تربیت بدنی .

۸) امکان راهیابی به آموزشهای ویژه تربیتی برای زنان ، کمک و تضمین سلامت و تندرستی خانواده ها که شامل اطلاعات و مشورت های مربوط به تنظیم خانواده است .

حمایت از خانواده و زناشویی

اصل صد و هشتم :

چند همسری ممنوع است ، به منظور حفظ و حراست از کیان خانواده و به منظور ترویج تقید و تعهد در زندگی زناشویی و احترام به روح و روان خانواده هیچ کس نمی تواند بیش از یک همسر اختیار کند .

اصل صد و نهم :

نظام سیاسی ایران مبتنی بر حمایت و پشتیبانی از خانواده به عنوان فراگیرترین رکن اجتماع موظف است با وضع قوانین مناسب و تسهیات ویژه شرایطی را فراهم آورد که سلامت روانی و اخلاقی خانوادهها حفظ و آنها را از مخاطرات فروپاشی یا سست شدن بنیانهایی خانوادگی حفظ نماید . بر این اساس نظام سیاسی ایران می کوشد تا با استفاده از رسانه های دولتی و نظامهای آموزشی در موارد زیر کوشا باشد .

ترویج و تبلیغ عشق به زندگی زناشویی و پایبندی به تقیدهای اخلاقی آن .

ترویج و تبلیغ ارزشهای اخلاقی و فرهنگی حاکم بر خانوادهها ، نظیر ترویج و تبلیغ احترام و تکریم روابط والدین و فرزندی ، فرزندی و فرزندی ، خواهری و برادری ، و مواردی از این دست .

ترویج و تبلیغ حمایت و پشتیبانی اعضای خانواده از افراد سالمند و خردسال و یا افراد معلول و ضعیف

اصل صد و دهم :

هیچ ازدواجی بدون رضایت آزادانه و کامل زوجین منعقد نمی گردد . زن و مرد وقتی به سن ازدواج برسند می توانند بدون هیچ قید نژادی و ملی و دینی ازدواج کنند و خانواده را بنیاد گذارند . آداب و رسوم مربوط به ازدواجهای قومی و مذهبی و تعهد به آن صرفا به اختیار شخصی زوجین است .

بخش دهم : حقوق بازداشت شدگان و زندانیان

اصل صد و یازدهم :

توقیف ، حبس و بازرسی افراد مجاز نیست مگر به حکم قانون . هیچ کس را نمی توان دستگیر یا بازداشت کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند . در صورت بازداشت ، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه ، در اسرع وقت فراهم گردد .

در روزهاي تعطيل كه ممكن است ادامه بازداشت به بيش بيست و چهار ساعت كشيده شود يك قاضي كشيك بايد وضعيت فرد بازداشت شده را قبل از بيست و چهار ساعت مشخص نمايد .

اصل صد و دوازدهم :

در مورد بازداشت ها يا دستگيريها در صورت امكان بايد شرابطي فراهم گردد تا شخص بازداشت شده موقتا يا دائما از بازداشتگاه يا زندان آزاد گردد متخلف از اين اصل طبق قانون مجازات خواهد شد . همچنين بايد به يك مقام قضايي يا يك مقام مسئول ، اين اختيار داده شود كه در همان ساعت اوليه در صورت لزوم ادامه بازداشت يا دستگيري فرد بازداشت شده را مورد بررسي قرار داده و در مورد ادامه آن تصميم گيري نمايد . متهم يا وكيل مدافع ايشان بايد بتوانند با چنين شخصي يا با چنين مسئولتي در ارتباط مستقيم و ساده باشند . فرد بازداشت شده يا دستگير شده نيز بايد اين حق را داشته باشد تا هنگامامي كه به نزد چنين مقامي برده مي شود ، درباره شيوه رفتاري كه در مدت بازداشت با وي شده است صحبت نمايد .

اصل صد و سيزدهم :

هيچ كسي را نمي توان پيش از پايان تحقيقات يا محاكمات در بازداشت نگه داشت مگر بدستور كتبي قاضي .

اصل صد و چهاردهم :

در صورت دستگيري يا بازداشت ، فرد بازداشت شده و وكيل مدافع ايشان ، بايد اين حق را داشته باشند تا بي درنگ و بطور كامل از حكم بازداشت و همه دلايل مربوط به آن آگاه شوند .

اصل صد و پانزدهم :

فرد بازداشت شده يا زنداني ، بايد اين حق را داشته باشد كه بي درنگ پس از دستگيري و پس از هر بار انتقال از يك محل بازداشت يا زندان به محلي ديگر ، اعضاي خانواده خود و ديگر افراد مورد نظر را ، از دستگيري ، بازداشت يا زنداني شدن خود يا منتقل شدن به جايي ديگر و يا از محل نگهداري خويش آگاه سازد ، يا از مقامات داراي صلاحيت بخواهد كه آنان را آگاه سازند . در مورد کودکان يا افراد معلول جسمي و روحي و يا افراد سالمند بايد اقدامات لازم جهت خبر رسانی مناسب پيش بيني گردد .

همچنين اگر فرد بازداشت شده يا زنداني يك شهروند خارجي باشد ، بايد بي درنگ از حقوق خويش در مورد تماس به شيوههاي مناسب با يك مقام كنسولي يا هيات ديپلماتيك كشور متبوع خويش آگاه گردد ، يا اگر پناهنده است و يا تحت حمايت سازمانهاي بين المللي مي باشد اين حق را دارد كه چنين ارتباطي را بر اساس قوانين بين المللي با نماينده سازمان بين المللي داراي صلاحيت برقرار سازد.

در صورتي كه ضرورت فوق العاده در انجام تحقيقات و بازپرسى ايجاب نمايد اين آگاه سازي را مي توان تنها در چارچوب قوانين به مدت معقولي به تاخير انداخت . در صورت چنين تاخير يا محدوديتي حق اعتراض به ديوان عالي قضايي بايد در اسرع وقت براي فرد بازداشت شده يا زنداني فراهم گردد .

اصل صد و شانزدهم :

فرد بازداشت شده يا زنداني بايد حق ملاقات و مكاتبه ، بويژه با اعضاي خانواده خود را داشته باشد و بايد به او فرصت كافي براي تماس با دنياي بيرون داده شود تفصيل چنين حقي را قانون معين مي كند .

اصل صد و هفدهم :

هيچ زنداني يا فرد بازداشت شده اي را نمي توان از مطالعه و حق دسترسى به اخبار و اطلاعات و حق نوشتن و استفاده از كاغذ و قلم محروم ساخت .

اصل صد و هجدهم :

فرد در بازداشت یا زندان باید این حق را داشته باشد که در محدوده امکانات موجود ، ولو از منابع همگانی ، مقادیر نسبتاً مناسبی مواد فرهنگی ، آموزشی و کسب اطلاعات در اختیار داشته باشد، مشروط به اینکه شرایط درخور برای تضمین امنیت و نظم در محل بازداشت یا زندان موجود باشد .

اصل صد و نوزدهم :

هیچکس را نمی توان بدون رضایت آزادانه اش مورد آزمایشات علمی قرار داد . همچنین هیچ فرد بازداشت شده ای یا هیچ فرد زندانی را نباید حتی با رضایت خویش مورد آزمایشات علمی که به سلامت ایشان آسیب می رساند قرار داد .

اصل صد و بیستم :

بازداشت یا دستگیری غریب الوقوع جز در مواردی که قانون معین می کند ممنوع است . قوه قضاییه و ضابطین آن موظفند در صورت بازداشت یا دستگیری غریب الوقوع ، حداقل فرصت لازم برای شخص یا فرد بازداشت شده را فراهم سازند تا فرد بازداشت شده یا دستگیر شده از خسران و ضرر کلی به منافع خود و خانواده اش جلوگیری نماید و یا آن را به حداقل برساند . تفصیل بیشتر این اصل با قانون است .

اصل صد و بیست و یکم :

قوه قضاییه و ضابطین آن یا مدیران زندان موظفند از همان ابتدای ورود فرد بازداشت شده « یا زندانی » به بازداشتگاه « یا زندان » ایشان را از منشور حقوق زندانیان و بازداشت شدگان که شامل حق استفاده از مرخصی ، ملاقات مرتب حضوری و غیر حضوری ، مقدار چیرهای غذایی و استحقاقهای قانونی ، ملزومات تهیه امکانات رفاهی و قانونی ، حق تماس زندانی با بیرون ، حق استفاده از روزنامه و کتب و موارد دیگری که قانون مشخص می کند را به صورت کتبی به فرد بازداشت شده یا زندانی تحویل دهند و رسید دریافت کنند و در طول زمان بازداشت و زندان امکان استفاده از مشاورهای قضایی و اجتماعی را برای ایشان فراهم سازند .

قوه قضاییه و قوه مقننه موظف است منشور حقوق بازداشت شدگان یا زندانیان را مطابق قانون اساسی و قوانین جنبی آن تهیه و از همان ابتدای ورود زندانیان یا بازداشت شدگان به زندان یا بازداشتگاه به آنان تحویل دهند و رسید دریافت کنند .

اصل صد و بیست و دوم :

قوه قضاییه و ضابطین آن موظفند در طول زمان بازداشت یا زندان امکانات بهداشتی مناسب اولیه نظیر تهویه هوا ، گرما و سرمای مناسب ، نور کافی و حق استفاده مرتب از توالت و دستشویی را در محلهای بازداشت برای فرد بازداشت شده یا دستگیر شده فراهم سازند و آب و غذای بازداشت شدگان را تامین سازند .

اصل صد و بیست و سوم :

درهای زندان و بازداشتگاه ها به روی خبر نگاران ، روزنامه نگاران ، مدافعین حقوق بشر و مدافعین حقوق شهروندی و یا مدافعین حقوق سیاسی و مدنی باز است . قوه قضاییه و ضابطین آن موظفند امکان بازدید خبرنگاران ، روزنامه نگاران ، مدافعین حقوق بشر و مدافعین حقوق شهروندی یا مدافعین حقوق سیاسی و مدنی شناخته شده و معتبر را در اولین فرصت ممکن بنا به خواست آنها از بازداشتگاهها و زندانها فراهم سازند مشروط به اینکه امکان تبانی برای مخفی کردن جرمی وجود نداشته باشد یا بر خلاف اراده بازداشت شدگان یا زندانیان نباشد . همچنین بازدید کنندگان موظف به حفظ آبرو و اسرار بازداشت شدگان هستند . تفصیل بیشتر را قانون معین می کند .

اصل صد و بیست و چهارم :

قرار دادن متهم در انفرادی ممنوع است ، در مواقع نادر مانند اقدام علیه امنیت ملی ، جاسوسی ، اتهامات تروریستی و کشتارهای دسته جمعی و موارد دیگری که قانون معین می کند به هیچ وجه نمی توان متهم را بیش از هفت روز در انفرادی نگه داشت نگره داشتن متهم در انفرادی بیش از هفت روز تنها با رای اکثریت مجلس شورای ملی مجاز است . حداقل شرایط رفاهی در زندان یا بازداشتگاه انفرادی توسط قانون مطابق منشور حقوق زندانیان و بازداشت شدگان باید تامین گردد . همچنین حق اعتراض متهم به دیوان عالی قضایی در مورد اعمال زندان یا بازداشت انفرادی در اولین

فرصت محفوظ است و در صورت محکومیت متهم به زندان باید به ازای هر روز بازداشت انفرادی ، هفت روز از طول محکومیت زندان ایشان کسر گردد .

اصل صد و بیست و پنجم :

هر فردی که در دادگاهها محکوم به مجازات می شود حق دارد درخواست عفو یا تخفیف جرم نماید . امکان اعطاء بخشش عمومی ، بخشش فردی یا تخفیف مجازات در تمام موارد و برای همه افراد وجود دارد .

اصل صد و بیست و ششم :

تمام افرادی که آزادی آنها سلب می گردد « زندانیان و بازداشت شدگان » باید با آنها با انسانیت و احترام که مطابق حقیقت ذاتی انسان است برخورد شود .

اصل صد و بیست و هفتم :

به جزء موارد استثنایی ، افراد متهم باید از محکومین جدا نگاه داشته شوند و میبایست مشمول رفتار جداگانه ای ، متناسب با وضعیت افراد بی گناه شوند . همچنین حدالمقدور افراد جوان ، باید از بزرگسالان جدا نگاه داشته شوند .

اصل صد و بیست و هشتم :

کلیه محکومین یا زندانیان باید بر اساس تفکیک نوع جرم و بر اساسی تفکیک جنسیت ، گروههای سنی ، تحصیلات و موارد دیگری که قانون معین می کند نگهداری شوند .

اصل صد و بیست و نهم :

اساس رفتار ندامتگاهها و زندان ها باید بر اساس اصلاح و اعاده حیثیت اجتماعی و حفظ کرامت انسانی افراد و بازگرداندن اشخاص به جامعه باشد و نمیتوان افراد زندانی یا بازداشت شده را به کار اجباری مجبور ساخت .

همچنین فرد زندانی یا بازداشت شده حق کار ، کسب سود حاصل از آن ، حق داشتن بیمه های اجتماعی ، و حق داشتن تحصیل و ادامه رشد شخصیت خود را در هر صورتی دارا است .

اصل صد و سی و ام :

قوه قضاییه و ضابطین آن موظفند در برگیره های احضاریه یا اخطاریه ، علت احضار و اخطار و پرونده مربوط به آن و زمان و محل رجوع را مشخص کنند تا احضار شوندگان ، خود را برای دفاع آماده و مهیا سازند .

اصل صد و سی و یکم :

فرد بازداشت شده حق دارد از وقت و تسهیلات کافی جهت تهیه دفاعیه و مشاوره با وکیل خود استفاده نموده و محاکم قضایی نیز موظفند بدون تاخیر غیر موجه شرایط محاکمه را در اولین فرصت ممکن فراهم سازند . همچنین قوه قضاییه و ضابطین آن موظفند دسترسی به مدارک و شواهد مورد نیاز متهم در دفاع از خویش را فراهم نموده و دسترسی و دستیابی به چنین مدارکی را تسهیل و تسریع بخشند .

اصل صد و سی و دوم :

در صورت درخواست فرد بازداشت شده یا زندانی و در صورت امکان ، فرد بازداشت شده یا زندانی باید در مکانی نزدیک به محل سکونت خود بازداشت یا زندانی گردد .

اصل صد و سی و سوم :

مسئولینی که يك فرد را دستگیر می کنند ، وی را در بازداشت نگه می دارند یا بر روی پرونده تحقیق می کنند بایستی فقط در محدوده اختیاراتی که قانون به آنان داده ، عمل نمایند و دیگران نمیتوانند پرسش درباره استفاده این مسئولین

از اختیارات خود را به يك مقام قضايي يا يك مقام مسئول ديگر ارجاع دهند .

اصل صد و سي و چهارم :

يك معاینه پزشکی مناسب باید در اسرع وقت پس از پذیرش در محل بازداشت یا زندان ، از فرد در بازداشت یا زندانی به عمل آید و پس از آن مراقبت و درمان پزشکی باید در هنگام لزوم برای وي فراهم شود . این مراقبت و درمان باید رایگان باشد .

معاینه های پزشکی زندانیان و بازداشت شدگان و درمان آنها باید از کانون پزشکان مستقل از دولت و قوه قضاییه مطابق آیین نامه های درمانی یا منشور حقوق بیماران خارج از زندان تامین گردد .

هنگامی که فرد در بازداشت یا زندان مورد معاینه پزشکی قرار می‌گیرد ، نام پزشک و نتایج معاینه بایستی به طور کامل ثبت گردد . دسترسی به چنین پرونده‌های ثبت شده‌ای باید تضمین گردد .

اصل صد و سي و پنجم :

قوه قضاییه و ضابطین آن موظفند در صورت لزوم امر یاری رسانی به افراد تحت سرپرستی ، بویژه اعضای صغیر خانواده افراد بازداشت شده یا زندانی را با توجه به قوانین داخلی کشور تضمین کنند و اقدامات دقیق برای توجه به سرپرستی کودکانی که بدون سرپرست مانده اند را انجام دهند . همچنین دولت موظف است با حمایت از خانواده‌های زندانیان و افراد تحت تکفل آنها آسیب های روانی و اجتماعی خانواده‌های آنها را به حداقل خود برساند .

اصل صد و سي و ششم :

هتك حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر ، بازداشت ، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع است و موجب مجازات می شود .

حق مراجعه به دادگاه‌های عادلانه

اصل صد و سي و هفتم :

همه شهروندان ایران به یکسان تحت حمایت قانون قرار داشته و همه آنها می‌توانند با رجوع به محاکم قضایی برای استیناف حقوق خود اقدام نمایند . هیچ کس را نمی‌توان از رفتن به محاکم قضایی و طرح شکایت منع کرد . حق دفاع و حق مراجعه به دادگاه در هر وضعیتی و در هر مرحله از دادرسی حقی غیر قابل تعرض است .

نیروهای مسلح و دیگر ارگانهای نظامی ، شکایات خود را با توجه به قوانین منحصر به خود ، ارایه می‌نمایند .

اصل صد و سي و هشتم :

هیچکس را نمی‌توان از دادخواهی در برابر قاضی منصوب شده به موجب قانون منع کرد ، اجرای احکام و آرای قضات لازم الاجراست . همچنین همکاری با دادگاهها در جریان تحقیقات قضایی اجباری است .

اصل صد و سي و نهم :

در صورتی که هر اتهامی علیه شهروندان ایران یا علیه حقوق و تعهدات مدنی ایشان قرار داشته باشد فرد متهم یا فردی که حقوقش تضییع شده باید این حق را داشته باشد تا اتهامات او بوسیله يك دادگاه قانونی ، صلاحیت دار ، مستقل و بیطرف ، بطور منصفانه و علنی و با حضور هیات منصفه رسیدگی شود .

تنها در دعاوی خصوصی طرفین دعوا طبق قوانین این حق را دارند تا خصوصی بودن دادگاه را تقاضا کنند مطبوعات و افکار عمومی ممکن است از تمام و یا قسمتی از دادگاه ها بدلائیل اخلاقی ، نظم عمومی و یا امنیت ملی در قوانینی شفاف و روشن منع شوند . وقتی مصلحت زندگی خصوصی طرفین دعوی اقتضا کند و یا تا حدی که دادگاه در شرایط خاصی علنی بودن جلسات را زیان آور بداند ، محرمانه بودن جلسات دادگاه در تمام و یا قسمتی از دادرسی بدون مخالفت دیوان عالی قضایی امکان پذیر است ، اما حکم صادره در امور کیفری و یا مدنی باید علنی باشد مگر آنکه

مصلحت افراد جوان ایجاب نماید و با روند دادرسی ، مربوط به اختلافات زناشویی یا سرپرستی اطفال باشد ، در هر صورت هرگاه یکی از طرفین دادگاه احساس نماید حقوق ایشان در علنی بودن یا علنی نبودن دادگاهها و یا شرایط ویژه دیگری که بر دادگاه ایشان به خاطر شرایط خاص اعمال می گردد مغایر با برداشتهای قاضی قرار داشته یا در تضاد با حقوق ایشان قرار می گیرد می تواند به دیوان عالی قضایی شکایت کرده و از آنها استیغای حق نماید . گزارش کامل دادگاه غیرعلنی که به این ترتیب برگزار می گردد یا گزارش دادگاههایی که بنا به شرایط خاص برگزار می گردد باید در اختیار دیوان عالی قضایی قرار داشته و در صورت درخواست مجلس شورای ملی در اختیار آنان قرار گیرد .

منع شکنجه و رفتارهای توهین آمیز

اصل صد و چهل و یکم :

اعمال هرگونه شکنجه یا رفتار توهین آمیز ممنوع است چه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع باشد چه برای تنبیه و موارد دیگر ، اجبار شخص به شهادت ، اقرار یا سوگند مجاز نیست . چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است . متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود .

اصل صد و چهل و یکم :

اقرار متهم به جرم عبارت است از اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل و سلامت در حضور محکمه با صلاحیت .

اصل صد و چهل و دوم :

دادن بی خوابی به متهم ، قرار دادن بی ضابطه متهم در زندان انفرادی ، نگهداری زندانی یا فرد بازداشت شده در سازمانها یا محلهای غیر رسمی و غیر قانونی ، قرار دادن زندانی در معرض سر و صداهای آزار دهنده ، ضرب و شتم زندانی یا وارد کردن صدمه بدنی و روانی ، بستن چشم بند به زندانی ، در اختیار نگذاشتن وکیل برای دفاع از فرد بازداشت شده ، قرار دادن در معرض نورهای آزار دهنده ، نرساندن آب و غذای کافی به زندانی ، تهدید و ارعاب بی ضابطه زندانی « یا فرد بازداشت شده » ، محروم کردن از هر یک از حقوق مندرج در منشور حقوق زندانیان و بازداشت شدگان ، بازجویی توسط فرد ناشناس و غیر رسمی یا غیر قانونی ، تهدید به تبعید بی ضابطه محل اقامت ، تهدید به جلوگیری از امرار و معاش و جلوگیری از ادامه شغل افراد ، در معرض دید قرار نگرفتن بازجو توسط متهم ، قرار دادن فرد زندانی یا بازداشت شده در جاهای مرطوب و یا جاهای خیلی سرد و خیلی گرم و یا در کل در جاهای غیر بهداشتی ، تهدید به سو استفاده از مسائل خانوادگی و شخصی و تهدید به افشاگری آنها ، تهدید بی ضابطه به هتك حرمت و حیثیت فرد بازداشت شده ، به کار گیری کلمات و اصطلاحات زشت و رکیک و موارد دیگری که قانون معین می کند تماما از مصادیق شکنجه محسوب شده و فرد شکنجه گر طبق قوانین محاکمه خواهد شد .

اصل صد و چهل و سوم :

هر گاه شکنجه ای اتفاق افتد عاملان شکنجه به اضافه کلیه کسانی که در رده های بالاتری از فرد شکنجه گر قرار داشته اند که تنها از شکنجه خبر داشتند و اکثرا عمل مناسبی نشان ندادند یا وظیفه نظارت یا جلوگیری از شکنجه را داشتند ولی قصور یا کوتاهی کردند یا اینکه در رده های بالاتر دستور شکنجه را مستقیما یا غیر مستقیم صادر نموده اند ، همه آنها به همراه فرد شکنجه گر کلیه مسئولیت های شکنجه را به عهده خواهند داشت . همچنین مقامات کشوری در شکنجه دخالتی نداشته باشند . چنین افرادی مطابق قانون محاکمه خواهند داشت . همچنین مقامات کشوری نمی توانند با گفتن اینکه ما این جنایت را مستقیما مرتکب نشده ایم از خود سلب مسئولیت نمایند . این وظیفه همیشگی مقامات کشوری است که به طور شایسته و فعال حقوق انسانی و حقوق بشری را محافظت نمایند .

اصل صد و چهل و چهارم :

هیچ کس را نمی توان از دانستن محل و مکان حبس خود یا مقدار گذشت زمان حبس و یا دانستن زمان و تاریخ محروم کرد .

اصل صد و چهل و پنجم :

انواع رفتارهای فرد بازداشت شده یا زندانی که منجر به جرایم انضباطی در طول دوران بازداشت یا زندان می شود و

چگونگی و طول مدت تنبیه‌های انضباطی که ممکن است اعمال شود و گزینه‌های مقامات دارای صلاحیت برای اعمال این مجازات‌ها، باید تنها توسط قانون یا مقررات قانونی مشخص شده اعمال گردد و هیچ کس نمی‌تواند خارج از این قوانین یا خارج از اختیارات خود به اعمال چنین تنبیهاتی بپردازد چنین تنبیهاتی مصداق شکنجه خواهند شد و بر طبق ضوابط با مرتکبین آن برخورد می‌گردد.

همچنین فرد بازداشت شده یا زندانی باید این حق را داشته باشد تا پیش از اعمال تنبیه‌های انضباطی توضیحاتی در دفاع از خود ارائه داده و باید این حق را داشته باشد که دادرسی اینگونه تنبیه‌های انضباطی را برای بررسی بیشتر به مقامات بالاتر ارجاع دهد.

حق استفاده از وکیل، منشی یا مترجم

اصل صد و چهل و ششم:

حق استفاده از وکیل از همان ابتدای بازداشت تا انتهای محاکمات برای فرد دستگیر شده یا بازداشت شده محفوظ است و قوه قضاییه موظف است در اولین فرصت امکان دسترسی به وکیل را برای فرد بازداشت شده یا دستگیر شده فراهم سازد.

اصل صد و چهل و هفتم:

در مراحل بازپرسی می‌توان از وکیل خواست که سکوت اختیار کند اما وکیل می‌تواند مشاوره خود را در ادای پاسخ‌ها کتبا برای موکل خود مرقوم نماید. به هر صورت بازپرسی باید در حضور ضبط صوت یا ضبط تصویر به عمل آید و نوارهای ضبط شده بازپرسی جز مستندات هر پرونده ایی باشد و باید برای وکیل و دادستان و قاضی دادگاه قابل دسترسی و رجوع باشد.

مدت زمان هر بازجویی فرد بازداشت شده یا زندانی و فاصله زمانی بین بازجویی‌ها و همچنین هویت مسئولین رسمی که بازجویی را انجام می‌دهند و دیگر افراد حاضر بایستی به صورتی که در قانون تعیین شده است ثبت و صورت جلسه شود.

فرد بازداشت شده یا زندانی یا وکیل مدافع ایشان چنانچه در قانون مقرر شده باید حق دسترسی به اطلاعات منظور شده را داشته باشد.

اصل صد و چهل و هشتم:

تماس‌های میان فرد بازداشت شده یا زندانی با وکیل مدافع قانونی ایشان نمی‌تواند به عنوان شواهدی علیه فرد بازداشت شده یا زندانی بکار گرفته شود مگر آنکه جنایتی در حال جریان یا طرح ریزی باشد. همچنین تماس‌های میان فرد بازداشت شده یا زندانی با وکیل مدافع قانونی ایشان می‌تواند در دیدرس، ولی نه در حوزه شنود، یک مأمور اجرایی قانون قرار داشته باشد.

اصل صد و چهل و نهم:

در صورتی که متهم یا فرد بازداشت شده توانایی در اختیار گیری وکیل را نداشته باشد قوه قضاییه و ضابطین آن موظفند این امکان را برای او بدون هیچ قید و شرطی و در صورت لزوم بدون دریافت هیچ وجه نقدی در اولین فرصت فراهم سازند. گزینه وکیل تسخیری باید به انتخاب کانون وکلا یا کانون حقوق دانان مستقل از قوه قضاییه یا مستقل از حکومت صورت گرفته و متهم نباید با انتخاب ایشان مخالف باشد.

اصل صد و پنجاه ام:

چنانچه فرد متهم یا بازداشت شده برای دفاع از خود احتیاج به مترجم یا منشی، داشته باشد قوه قضاییه و ضابطین آن موظفند از همان ابتدا در اولین فرصت این امکان را برای او فراهم سازند. در اختیار گذاشتن این امکان تا آخر محاکمات و دادگاه تجدید نظر ضروری است.

اصل صد و پنجاه و یکم:

حق فرد بازداشت شده یا زندانی برای داشتن ملاقات و تماس و مشاوره بدون تاخیر و بدون سانسور و بصورت کاملاً

مجرمانه با وکیل مدافع قانونی خود نباید تعلیق یا محدود گردد ، مگر در شرایط استثنایی که در قانون یا مقررات قانونی مشخص شده باشد و یا اینکه از نظر يك مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر اینکار به خاطر حفظ امنیت و نظم اکیدا ضروری تشخیص داده شود در چنین شرایطی حق رجوع به دیوان عالی قضایی در اعتراض به معلق شدن یا محدود شدن این حقوق برای متهم قابل پیگیری است .

اصل صد و پنجاه و دوم :

چنانچه فرد متهم یا بازداشت شده یا زندانی به علت بیماریها و ناتوانیهای جسمی و روحی احتیاج به مکانها و مراقبتهای ویژه ای نظیر دارو ، پزشك و موارد دیگری که زنان باردار و شیرده ، زنان و مردان دارای بچه های صغیر ، افراد سالمند ، کودکان و نوجوانان و بیماران و معلولین با آن مواجه هستند روبرو باشد و یا در موارد دیگری که قانون معین می کند قوه قضاییه و ضابطین آن موظفند از همان ابتدای بازداشت و در اولین فرصت امکان مراقبت و نگهداری مناسب فرد بازداشت شده را تا آخر محاکمات و یا تا آخر دوران محکومیت برای فرد مذکور فراهم سازند .

بخش یازدهم : حقوق قضایی

اصل صد و پنجاه و سوم :

هیچکس را نمیتوان مجرم شناخت و به کیفر رسانید مگر به موجب قانون و به حکم دادگاه . همچنین کلیه احکام قضایی باید به طور مستدل صادر گردد .

اصل صد و پنجاه و چهارم :

کلیه شهروندان ایران به نحوی که قانون مشخص میسازد میتوانند به خاطر صدمه دیدن داراییها و حقوق خود از دولت غرامت دریافت نمایند ، مگر در مواقع اضطراری (فورس ماژور) . پرداخت غرامت در صورتی انجام میگیرد که صدمات به واسطه عملکرد خدمات دولتی پیش آمده باشد .

همچنین هر کس حق دارد چنانچه از احکام مراجع قضایی به ناحق ، ظلمی بر او روا شده اعاده حیثیت و طلب خسارت نماید و هر کس که قربانی دستگیری و یا بازداشت غیر قانونی شده ، می تواند جبران خسارت نماید . قانون شرایط و اقدامات مقتضی را به منظور جبران اشتباهات قضایی تعیین مینماید.

اصل صد و پنجاه و پنجم :

هیچ کس را نمی توان از آزادی پس از طی دوران محکومیت یا مجازات محروم کرد .

اصل صد و پنجاه و ششم :

هیچکس را نمی توان در محاکمی غیر از محاکم قضایی رسمی و قانونی محاکمه نمود . چنین محاکمه ای از درجه اعتبار ساقط است و برگزار کنندگان چنین دادگاهی مورد پیگرد قرار می گیرند .

اصل صد و پنجاه و هفتم :

در محاکم قضایی اصل بر برائت یا بی گناهی متهم است و متهم بی گناه فرض می شود تا زمانی که خلاف آن ثابت شود . همچنین هر کس حق دارد بی گناه فرض شود تا زمانی که جرم او در يك دادگاه عادلانه قضایی ثابت گردد .

اصل صد و پنجاه و هشتم :

محاکمه غیابی ممنوع است . مگر در موارد ناممکن که قانون بدان اشاره می کند . متهم حق دارد در حضور خودش محاکمه شده و یا شخصا از خود دفاع نموده و یا از طریق وکیل انتخابیش از خود دفاع نماید ، همچنین متهم باید از حقوق خود آگاه گردد .

اصل صد و پنجاه و نهم :

متهم یا وکیل او حق دارد از شهودی که علیه او شهادت می دهند بازپرسی کند و یا اینکه بخواهد از آنها بازپرسی صورت پذیرد و تحت شرایطی مشابه شاهدانی جهت شهادت به نفع خویش به دادگاه آورده شود .

اصل صد و شصتم :

هرگاه بعد از محکومیت قطعی محکومین ، دلایلی جدیدی مبنی بر بی گناهی کامل یا بی گناهی جزئی متهم پیدا شود که در زمان محاکمه متهم در دست نبوده و حکم محکومیت متهم بدون در نظر گرفتن آن صادر شده ، فرد محکوم شده می تواند درخواست بازنگری در محاکمه خود را بر اساس شواهد و قرائن جدید داشته باشد .

اصل صد و شصت و یکم :

هیچ کس را نمی توان به مجازات شدیدتری به غیر از آنچه در قانون اشاره شده مجازات کرد .

اصل صد و شصت و دوم :

اگر پس از ارتکاب جرمی مقررات جدیدی وضع گردد که مجازات ملایمتری برای محکومین یا مجرمین پیشین در نظر گرفته باشد ، مقدار محکومیت مجرمین یا محکومین پیشین باید بر اساس مقررات جدید تعدیل گردد .

اصل صد و شصت و سوم :

هیچ کس را نمی توان در هنگام عمل یا ترك فعلی که بنا بر اصول کلی قوانین شناخته شده ایران یا جامعه بین الملل لازم الاجرا نشده است محاکمه و محکوم کرد .

اصل صد و شصت و چهارم :

هر کس حق دارد در هر کجا و هر زمان در مقابل قانون ، بمثابه يك شخص حقوقی شناخته شود .

اصل صد و شصت و پنجم :

هر کس که مجرم شناخته می شود حق دارد مطابق قانون در خواست محاکمه خود را در يك دادگاه عالی تر مورد تجدید نظر قرار دهد .

اصل صد و شصت و ششم :

هیچکس را نمی توان به جرمی که قبلاً محکوم یا تبرئه شده دوباره دادگاهی ، محاکمه یا مجازات کرد .

اصل صد و شصت و هفتم :

هر کس مسئول اعمال خویش است ، هیچ کس را نمی توان بواسطه رابطه خویشاوندی و دوستی ، بجای شخصی دیگر مورد تعقیب یا محاکمه قرار داد .

اصل صد و شصت و هشتم :

هیچ کس را نمی توان از حق قضاوت قضات منصوب شده توسط قانون محروم کرد . تشکیل دادگاههای فوق العاده جز در موارد نادر که قانون بدان اشاره می کند ممنوع است .

فصل سوم : انتخابات و نظارت بر مسئولین

نظارت بر مسئولین

اصل صد و شصت و نهم :

هیچ یک از نمایندگان مجلس شورای ملی ، شورای عالی ملی ، رئیس جمهور و معاونینش ، رئیس قوه قضاییه ، اعضای دیوان عالی قضایی ، قضات ، دادستانها و موارد دیگری که قانون معین می کند نمی توانند بیش از یک شغل داشته باشند .

اصل صد و هفتادم :

رئیس جمهور و معاونانش ، وزراء ، اعضای مجلس شورای ملی ، رئیس قوه قضاییه و معاونانش ، اعضای شورای عالی ملی ، پادشاه و دیگر مدیران سطح بالای حکومتی که قانون آن را معین می کند موظفند قبل و بعد از شروع مسئولیت خود ، لیست کلیه داراییها و موجودیهای خود و خانواده خود را اعلام نموده و رونوشتی از داراییهای خود را به آرشیو مجلس شورای ملی ، شورای عالی ملی ، قوه قضاییه و نهاد ریاست جمهوری تحویل دهند . همچنین هیچ یک از این مسئولان نمی توانند بصورت مخفی حسابی در ایران یا کشورهای دیگر جهان داشته باشند .

اصل صد و هفتاد و یکم :

رئیس جمهور و معاونانش ، وزراء ، اعضای مجلس شورای ملی ، رئیس قوه قضاییه و معاونانش ، اعضای شورای عالی ملی ، پادشاه و دیگر مدیران سطح بالای حکومتی که قانون آن را معین می کند هیچ کدام نمی توانند در زمان تصدی پست خود یا مدتی بعد از آن معامله ای با دولت یا حکومت به انجام برسانند ، مگر در مواردی غیر مخفی که برای رفع نیازهای اولیه زندگی خود یا موارد دیگری که قانون معین می کند باشد . معاملات که به منظور تامین نیازمندیهای شخصی انجام می شود ، از این امر مستثنی هستند . قوانین و مقررات مقدار حقوق و مصارف دیگر این مدیران و مسئولین را معین می نماید .

اصل صد و هفتاد و دوم :

اعضای شورای عالی ملی ، اعضای مجلس شورای ملی و رئیس جمهور پس از اتمام دوران خدمت ، برای تمام مدت عمر از حقوق مالی دوران خدمت استفاده خواهند کرد مشروط به اینکه به مشاغل دولتی و سیاسی اشتغال نوزند .

اصل صد و هفتاد و سوم :

پادشاه ، مجلس شورای ملی ، شورای عالی ملی باید از کلیه قرار دادهای ملی و بین المللی دولت مطلع و آگاه شوند دولت نمی تواند چنین معامله یا قراردادی را از آنان مخفی نماید .

قوانین مربوط به انتخابات

اصل صد و هفتاد و چهارم :

کلیه ارگانها و نهادهای دولتی و حکومتی در انتخابات گوناگون کشور بی طرف هستند ، بر این اساس هیچ یک از نهادهای دولتی نمی توانند بر مبنی استفاده از امکانات دولتی در حمایت از گروه یا کاندیداهایی خاص وارد رقابتهای انتخاباتی شود مگر در مواردی که قوانین تکمیلی به تقسیم بندی عادلانه امکانات دولتی بین کاندیداهای مختلف اشاره می کند .

اصل صد و هفتاد و پنجم :

هیچ دولت و حکومت خارجی حق دخالت در رقابتهای سیاسی و انتخاباتی کشور را ندارد ، بر این اساس هیچ کاندیدی در هیچ یک از انتخابات کشور نمی تواند از یک دولت خارجی یا یک حکومت خارجی کمک مالی دریافت کند .

اصل صد و هفتاد و ششم :

انتخاب نمایندگان بر اصل برابری استوار است . یعنی هر انتخاب کننده یک رأی دارد و همه انتخاب کنندگان به صورت برابر در انتخابات شرکت می کنند . انتخاب نمایندگان به صورت مخفی بوده و کنترل اراده انتخاب کنندگان ممنوع است و توزیع عادلانه امکانات دولتی نظیر کمکهای مالی یا استفاده از رسانه های دولتی مابین کاندیداهای قانونی تضمین می

شود .

اصل صد و هفتاد و هفتم :

افراد دارای شرایط زیر می توانند کاندیدای سمت نمایندگی مجلس شورای ملی شوند :

۱- تبعه ایران باشد و حداقل دارای تحصیلات عالی باشد و دارای تجربه کاری و شهرت نیک باشد .

۲- در روز انتخابات سن ایشان از سی سال کمتر نباشد .

۳- از طرف هیچ محکمه ی عادلانه ای به ارتکاب جرایم ضد بشری جنایات علیه بشریت و یا تعدی به حقوق بشر محکوم نشده باشند . شرح بیشتر با قانون است .

۴- حداقل ده هزار امضای موافق کاندیداتوری خود در حوزه ثبت نامی جمع آوری کرده یا کاندیدای یکی از احزاب بیش از ده هزار عضو رسمی در کشور باشد .

۵- با قانون اساسی ایران و حقوق سیاسی و مدنی آشنایی کافی داشته باشند .

شرایط دیگر طبق قانون معین می گردد .

اصل صد و هفتاد و هشتم :

افراد دارای شرایط زیر می توانند کاندیدای رئیس جمهوری یا متصدی پست رئیس جمهوری شوند :

۱- تبعه ایران باشند .

۲- حداقل دارای تحصیلات کارشناسی باشد و دارای تجربه کاری و شهرت نیک باشد .

۳- در روز انتخابات سن ایشان از چهل سال کمتر نباشد .

۴- از طرف هیچ محکمه ی عادلانه ای به ارتکاب جرایم ضد بشری جنایات علیه بشریت و یا تعدی به حقوق بشر محکوم نشده باشد .

۵- حداقل پنجاه هزار امضای موافق کاندیداتوری خود جمع آوری کرده باشد یا کاندیدای یکی از احزاب بیش از پنجاه هزار عضو رسمی باشد .

۶- حداقل بیست روز مانده به زمان انتخابات معاون اول خود و چند وزیر پیشنهادی کابینه خود را معرفی کرده باشد .

۷- با قانون اساسی ایران و حقوق سیاسی و مدنی آشنایی کافی داشته باشند .

سایر شرایط طبق قانون اعمال می شود .

پس از احراز شرایط فوق کلیه کاندیداها از امکانات دولتی مساوی جهت رقابت سیاسی بهره مند می شوند .

اصل صد و هفتاد و نهم :

رئیس جمهور با اکثریت مطلق آرا شرکت کنندگان ، انتخاب می شود ، ولی هرگاه در دوره نخست هیچ يك از نامزدها چنین اکثریتی به دست نیاورد ، روز جمعه هفته بعد برای بار دوم رای گیری می شود . در دوره دوم تنها دو نفر از نامزدها که در دور نخست آرا بیشتری داشته اند شرکت می کنند ، ولی اگر بعضی از نامزدهای دارنده آرا بیشتر ، از شرکت در انتخابات منصرف شوند ، از میان بقیه کاندیداها ، دو نفر که در دور نخست بیش از دیگران رای داشته است برای انتخاب مجدد رقابت می کنند . در دور دوم انتخابات ، شخصی که اکثریت آرا را کسب کند ، به عنوان رئیس جمهور شناخته می شود . همچنین هر گاه یکی از کاندیداها ریاست جمهوری قبل از دور اول یا دوم رای گیری و یا قبل از

اعلام نتایج انتخابات فوت نماید ، انتخابات مجدد مطابق قانون برگزار می گردد .

فصل چهارم : وظایف و اختیارات پادشاه

اصل صد و هشتادم :

پادشاهی ایران يك سمت انتخابی است که برای استمرار پادشاهی خود هر ده سال یکبار نیاز به برگزاری انتخابات و کسب اکثریت آرا دارد . در صورت عدم کسب آرای اکثریت توسط پادشاه ، انتخابات برای تعیین پادشاه آینده ایران برگزار می شود و هر شخصی می تواند با جمع آوری حداقل چهارصد هزار امضای موافق خود به کاندیداتوری سمت پادشاهی ایران در آید و با پادشاه ایران از طریق انتخابات آزاد ، عمومی ، عادلانه ، مخفی و مستقیم به رقابت بپردازد . قوانین و مقررات شرایط احراز سمت پادشاهی ایران را معین می کند و سمت پادشاهی ایران قائم به ذات است و قابل واگذاری به غیر نیست .

اصل صد و هشتاد و یکم :

پادشاه ایران به عنوان نماد و سمبل ایرانی یکپارچه و متحد ، متمدن و متعهد و به عنوان نماد و سمبل وحدت ملی ، میهن دوستی و دگر دوستی مورد احترام تمام اقشار جامعه ایران است . بر این اساس نهاد پادشاهی ایران به عنوان يك نهاد غیر سیاسی و فراجزبی و به عنوان يك متولی پاسخگو موظف است در جهت رشد و شکوفایی فرهنگ و رفاه مردم ایران در موارد زیر کوشا باشد .

۱ - حمایت و مراقبت از قانون اساسی و حفظ و کیاست از آزادیهای فردی و اجتماعی مندرج در آن ،

۲ - رشد و گسترش فرهنگ آزادی و دموکراسی و بسط و گسترش احترام به قانون اساسی و احترام به قوانین و مقررات ملی در میان تمام لایه های اجتماع و بسط و گسترش مسئولیت مدنی و تعهد اجتماعی

۳ - مبارزه با جهل و خودکامگی ، ریا و چاپلوسی ، سطحی نگری و ساده انگاری ، مبارزه با دروغ و بیسوادی و مبارزه با تمام مظاهر عقب ماندگی فکری و فرهنگی و بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه های علمی ، فرهنگی و هنری و ترویج و تبلیغ زندگی شرافتمندانه و صادقانه

۴ - بسط و گسترش علوم و فناوری ، حمایت از پژوهشگران و فرهیختگان ایرانی ، حمایت از تحقیقات و پژوهش های ملی و میهنی و تقویت روح تحقیق و تفحص و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی ، فنی ، هنری و فرهنگی و تقویت زیر ساختهای علمی ، هنری و فرهنگی ایرانیان متناسب با شان فرهنگ ملی ایرانیان

۵ - کشف و پرورش افراد تیز هوش و نابغه و کشف و پرورش استعدادها درخشان ملی و میهنی و تربیت و پرورش آنها در خدمت منافع ملی و سرمایه گذاری لازم بر روی آنها

۶ - حمایت از افشار کم درآمد و ضعیف ، حمایت از افشار نیازمند و آسیب پذیر و حرکت در جهت توانمند سازی و خودکفایی آنها بوسیله برگزاری بنیادهای و نهادهای خیریه یا با تدوین لایحه ها و طرحهای قانونی تکمیلی و یا با احداث طرحهای زیر بنایی و اساسی و بسط و گسترش عدالت اجتماعی و تامین و رفاه اجتماعی و مبارزه با اختلاف طبقاتی

۷ - بسط و گسترش عادلانه امکانات ورزشی ، تفریحی ، بهداشتی ، علمی ، هنری و فرهنگی و فراگیر کردن استفاده همه افشار جامعه ایرانی از امکانات تفریحی ، ورزشی و هنری و بسط و گسترش تفریحهای دسته جمعی و تشویق و ترغیب به ورزش ، سلامتی ، تندرستی و بهداشت عمومی و فردی

هیچ يك از وظایف فوق در انحصار نهاد پادشاهی نبوده و هیچ نهادی را نمی توان از پیگیری این حقوق منع کرد . مجلس شورای ملی و نهاد ریاست جمهوری موظف است با در اختیار گذاشتن بودجه و امکاناتی مناسب نظیر پایگاههای رسانه ای و گروهی ، نهاد پادشاهی را در پیگیری این وظایف یاری رسانند .

اصل صد و هشتاد و دوم :

نهاد پادشاهی ایران به عنوان نماد و سمبل ایرانی یکپارچه و متحد ، متمدن و متعهد و به عنوان نماد و سمبل وحدت ملی ، میهن دوستی و دگر دوستی و به عنوان يك نهاد فرا جناحي و ملي از هر گونه دخالت در مناقشات سياسي روزمره دوری می جوید . بر همین اساس نهاد پادشاهی ایران و کلیه نهادهای وابسته به آن به عنوان يك نهاد فراجناحي و فرا سياسي جز در موارد حفظ استقلال و تمامیت ارضی و حفظ وحدت و حاکمیت ملی هیچگاه نمی توانند بر اساس حمایت از گروه و فردی خاص وارد رقابتها و مجادلات سياسي شوند .

اصل صد و هشتاد و سوم :

نظام سياسي ایران میراث دار محیط زیست و منابع ملی و میهنی و تحویل آن از يك نسل به نسلهای آینده است . بر این اساس نهاد پادشاهی ایران به عنوان يك متولي پاسخگو موظف است کلیه اقدامات لازم به منظور حفظ و حراست از محیط زیست شامل منابع آب ، ذخایر زیر زمینی ، کشاورزی ، مراقبت از زمین و سایر موارد را فراهم کرده و در ترویج و تبلیغ حفاظت و مراقبت همگانی و عمومی از محیط زیست کوشا باشد و همچنین از اقداماتی که محیط زیست را به خطر می اندازد جلوگیری نماید .

اصل صد و هشتاد و چهارم :

نظام سياسي ایران میراث دار میراث فرهنگی و تاریخی و تحویل آن از يك نسل به نسلهای آینده است . بر این اساس نهاد پادشاهی ایران به عنوان يك متولي پاسخگو موظف است کلیه اقدامات لازم به منظور حفظ و حراست از میراث فرهنگی و تاریخی فراهم کرده و از اقداماتی که میراث فرهنگی و تاریخی را به خطر می اندازد جلوگیری نماید .

اصل صد و هشتاد و پنجم :

وظیفه اصلي حفظ و حراست از قانون اساسي و آزادیهای فردی و اجتماعی به عهده پادشاه است . بر این اساس پادشاه یا نمایندگان ایشان موظف است موارد نقض قانون اساسي و موارد نقض آزادیهای فردی و اجتماعی را پس از اخطار و گوشزد به نقض کنندگان آن به شوراي عالی ملي برده و در آنجا در پیگیری این حقوق اقامه دادرسی نماید .

اصل صد و هشتاد و ششم :

پادشاه شخص اول مملکت است ، در موارد عدم اجرای رای شوراي عالی ملي در تفسیر قانون اساسي و یا در مواردی که نیروهای مختلف سياسي و نظامي از آزاي مجلس شوراي عالی ملي به عنوان عالی ترین مرجع رسیدگی به اختلافات و مناقشات بین قوا سرپیچی نمایند ، پادشاه موظف است پس از رسیدن درخواست رسیدگی از شوراي عالی ملي ، دستور لازم را در جهت اجرای احکام شوراي عالی ملي به کلیه مسئولین سياسي و نظامي کشور صادر نماید . در چنین شرایطی کلیه مسئولین نظامي و سياسي موظفند از دستورات پادشاه اطاعت نمایند .

اصل صد و هشتاد و هفتم :

عفو جرایم و تخفیف مجازات توسط پادشاه بر اساس قانونی که از طرف مجلس شوراي ملي این اختیار را به ایشان تنفیذ کرده صادر می گردد . عفو و تخفیف مجازات شامل حال کسانی که پس از پیشنهاد قانون اعطای عفو مرتکب جرم شده باشند نمی شود . همچنین اعطای نشانهای افتخار و درجات نظامي و ترفیعات مطابق احکام قانون از طرف رئیس جمهور و دیگر مدیران سطح بالای حکومتی از پادشاه درخواست و توسط پادشاه به نظامیان یا مدیران و شهروندان ایرانی اهدا می گردد .

اصل صد و هشتاد و هشتم :

در حکومت جمهوری پارلمانی کلیه حقوق پادشاه به رئیس جمهور اختصاص می یابد و کلیه حقوق پادشاهی ایران در سایر اصول قانون اساسي حذف می گردد .

فصل پنجم : شوراي عالی ملي

اصل هشتاد و نهم :

مجلس شوراي عالي ملي متشکل از افراد زیر است :

۱ - ده نفر به انتخاب مستقیم مردم

۲ - پنج نفر به انتخاب مجلس شوراي ملي

۳ - پنج نفر به انتخاب رئیس جمهور

۴ - پنج نفر به انتخاب پادشاه در حکومت پادشاهي پارلماني

۵ - پنج نفر حقوقدان بوسیله رئیس قوه قضايه

۶ - کلیه روساي جمهور پیشین

۷ - کلیه روساي پیشین مجلس شوراي ملي

۸ - کلیه روساي پیشین قوه قضايه

۸ - در حکومت پادشاهي پارلماني ، حضور پادشاه در يکي از جلسات يا همه جلسات به اختيار ایشان با راي مساوي با ديگر اعضا

هر کدام از اعضاي شوراي عالي ملي داراي يك راي هستند و هيچ کدام بر ديگري برتري ندارند . تعيين رئيس مجلس شواي عالي ملي و تعيين آيين نامه هاي داخلي به عهده اکثريت اعضاي شوراي عالي ملي است .

اعضاي شوراي عالي ملي براي ۴ سال انتخاب مي شوند .

موارد انتخابي بند ۶ و ۷ و ۸ نمي توانند بيش از سه دوره چهار ساله نماينده شوراي عالي ملي باشند و هر کدام لازم است حداقل دو سال در اين سمت ابقا شده باشند و مخالف تصدي پست شوراي عالي ملي نباشند .

اعضاي شوراي عالي ملي نبايد در زمان تصدي در هيچ حزب سياسي عضويت داشته باشند .

اصل صد و نودم :

ده نفر اعضاي انتخابي شوراي عالي ملي توسط مردم همزمان با انتخابات رياست جمهوري انتخاب مي شوند . اعضاي انتخابي توسط مجلس شوراي ملي ، رئيس جمهور و رئيس قوه قضايه شش ماه پس شروع دوره مسئوليت آنها تعيين مي گردد و اعضاي انتخابي پادشاه دو سال بعد از انتخابات رياست جمهوري تعيين مي گردد . هيچ شخصي نمي تواند بيش از سه دوره چهارساله عضو شوراي عالي ملي باشد .

اصل صد و نود و يکم :

اعضايي از مجلس شوراي عالي ملي که توسط مجلس شوراي ملي ، رئيس جمهور ، پادشاه و رئيس قوه قضايه انتخاب مي شوند هر کدام در اجراي وظائف خود استقلال راي و عقیده دارند و هيچ کدام مجبور به ارائه گزارش به انتخاب کنندگان خود نبوده و هيچ کدام موظف به پيگيري خواسته هاي ایشان نيستند و هيچ کدام را نمي توان در طول زمان خدمت به خاطر ابراز عقايد و نظرات خود از حضور در شوراي عالي ملي منع کرد يا به جاي آنها کسي ديگر را جايگزين کرد .

اصل صد و نود و دوم :

ریاست شورای عالی ملی برای دو سال با رای اکثریت اعضای مجلس شورای عالی ملی تعیین می گردد و رای های اعضای مجلس در همه موارد می تواند بصورت مخفی انجام گیرد . حداقل تحصیلات اعضای مجلس شورای عالی ملی کارشناسی است و اعضای شورای عالی ملی می باید به قانون اساسی اشراف کامل داشته باشند و از حسن شهرت کافی برخوردار باشند . دیگر شرایط اعضای شورای عالی ملی را قانون معین می کند .

اصل صد و نود و سوم :

تفسیر قانون اساسی به عهده شورای عالی ملی است و با تصویب دو سوم اعضای آن معین می گردد .

اصل صد و چهارم :

شورای عالی ملی می تواند قوانین مجلس شورای ملی را که مغایر قانون اساسی و اصل آزادی و دموکراسی تشخیص داده می شود را در حضور ریاست مجلس شورای ملی و استماع دفاع ایشان و نهایتا رای گیری در حضور ایشان یا نمایندگانشان ملغی اعلام کند . در صورت درخواست ریاست مجلس شورای ملی یا نمایندگانشان جلسه رسیدگی می باید بصورت علنی باشد . هر گاه شورای عالی ملی ، قانونی را مخالف با قانون اساسی اعلام نماید نمیتوان آن را توشیح نموده و به اجراء درآورد .

اصل صد و پنجم :

شورای عالی ملی عالی ترین مرجع رسیدگی اختلافات بین قوای حاکم بر کشور است و دعاوی مربوط به تعارضات اختیارات بین دستگاه ها و قوای دولتی را رسیدگی کرده و به شکایات نقض قانون اساسی توسط پادشاه ، مجلس شورای ملی و ریاست جمهوری ، در حضور خود ایشان و استماع نظریات و دفاعیات ایشان و نهایتا رای گیری مخفی در حضور خود آنها یا نمایندگانشان رسیدگی می نماید ، در صورت درخواست هریک از طرفین درگیر و موافقت يك سوم اعضای شورای عالی ملی ، شورای عالی ملی موظف است جلسات را بصورت علنی برگزار نماید .

تصمیمات نهایی شورای عالی ملی قابل اعتراض نیستند و برای قوای حاکمه متصدیان اداری و قضایی لازم الاجرا هستند .

اصل صد و ششم :

تعیین ریاست قوه قضاییه و تعیین ریاست نیروهای انتظامی بر عهده شورای عالی ملی است .

اصل صد و هفتم :

اجرای انتخابات بر عهده قوه مجریه است . نظارت بر حسن انجام انتخابات کشور ، تایید یا رد نهایی انتخابات و رسیدگی به شکایات انتخاباتی به عهده شورای عالی ملی است . قوانین مربوط به انتخابات حتما باید به تایید شورای عالی ملی برسد .

فصل ششم : مجلس شورای ملی

اصل صد و هشتم :

مجلس شورای ملی از نمایندگان ملت که در انتخاباتی آزاد ، عمومی و عادلانه به طور مستقیم و با رای مخفی هر چهار سال یکبار انتخاب می شوند تشکیل می گردد . سمت نمایندگی مجلس قائم به شخص است و قابل واگذاری به غیر نبوده و حق رای نمایندگان بلافاصله است . حق رای نیابتی نمایندگان جز در موارد خاص که قانون آنرا معین می کند ممنوع است و نمایندگان مجلس شورای ملی نمی توانند بیش از سه دوره نماینده مجلس باشند . نمایندگان مجلس وابسته به قدرت دولتی نبوده و استقلال رای و عقیده دارند .

اصل صد و نود و نهم :

هر نماینده مجلس شورای ملی و هر نماینده شورای عالی ملی در برابر تمام ملت ایران مسئول است و حق دارد در همه مسایل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید . نمایندگان مجلس شورای ملی و شورای عالی ملی در مقام ایفای وظایف نمایندگی و اظهار نظر و رای خود کاملاً آزادند و نمی توان آن ها را به سبب نظراتی که در مجلس یا شورا اظهار کرده اند یا آرایی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده اند مورد تعقیب یا توقیف قرار داد .

اصل دویستم :

احضار و تعقیب نمایندگان مجلس شورای ملی و شورای عالی ملی به هر دادگاهی باید به ترتیب به اطلاع و رضایت مجلس شورای ملی و شورای عالی ملی باشد . سلب آزادیهای شخصی ، بازجویی ، تفتیش بدنی و تفتیش محل سکونت و توقیف نمایندگان مجلس شورای ملی و شورای عالی ملی ممنوع است مگر آن که در حین ارتکاب جرمی دستگیر شوند که برای آن جرم محکومیت قطعی یا حکم جلب و بازداشت الزامی باشد در چنین مواقعی موضوع باید بلافاصله به مجلس یا شورای آنها اطلاع داده شود تا تصمیمات لازم اتخاذ گردد . در صورت تقاضای هر يك از مجلسین تعقیب نماینده آن مجلس متوقف خواهد شد .

اصل دویست و یکم :

وظیفه قانون گذاری به عهده مجلس شورای ملی است ، مجلس شورای ملی می تواند قسمتی از این حقوق را به نهادهای مختلف حکومتی یا کمیسیونها داخلی مجلس واگذار نموده یا این حقوق را از آنها سلب نماید یا هر يك از قوانین وضع شده توسط آنها را ملغی کرده یا تغییر دهد . همچنین قوانین و مصوبات وضع شده در مجلس شورای ملی باید برای اجرا به رئیس جمهور ابلاغ گردد و جلسات نمایندگان مجلس شورای ملی خارج از آیین نامه های داخلی مجلس ، فاقد ارزش حقوقی است .

اصل دویست و دوم :

مجلس شورای ملی ایران عالی ترین مرجع قانون گذاری کشور و مطهر تام و تمام اراده مردم ایران است و نمایندگان مجلس شورای ملی نمایندگی قاطبه ملت ایران را بدون در نظر گرفتن قوم و مذهب و کیش و آیین آنان به عهده دارند . همچنین هر عضو مجلس شورای ملی بدون وابستگی به مرجع خاصی ، متعهد است در موقع اظهار رای ، مصالح عمومی و منافع عالی مردم ایران را در کنار منافع استان یا حوزه انتخابیه خود در نظر داشته باشد .

اصل دویست و سوم :

نمایندگان مجلس ملی می توانند در همه امور کشور و از همه نهادهای مختلف کشور تحقیق و تفحص کنند ، تحقیق و تفحص نمایندگان مجلس شورای ملی پس از صدور دستور رئیس مجلس شورای ملی اجتناب ناپذیر و انکار ناپذیر است همچنین رئیس مجلس موظف است پس از جمع آوری بیست امضای نمایندگان مجلس شورای ملی دستور تحقیق و تفحص را صادر نماید . این حقوق نمایندگان شامل حق تحقیق و تفحص از کلیه ارکان حکومتی از سطر تا ذیل است .

اصل دویست و چهارم :

مجلس شورای ملی موظف است در عالی ترین وجه به نحوه مصرف بودجه در کل کشور و حسن مصرف آن نظارت نماید . بر این اساس دیوان عالی محاسبات که عالی ترین مرجع رسیدگی به حسن اجرای مصرف بودجه در کل کشور است زیر نظر مجلس شورای ملی تشکیل می شود .

اصل دویست و پنجم :

دیوان عالی محاسبات به کلیه حساب های وزارتخانه ها ، موسسات ، شرکت های دولتی و سایر دستگاه هایی که به نحوی از انحا از بودجه کل کشور استفاده می کنند موظف است به ترتیبی که قانون مقرر می دارد رسیدگی یا حسابرسی نماید تا هیچ هزینه ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل مناسب خود به مصرف رسیده باشد . همچنین دیوان محاسبات ، حساب ها و اسناد و مدارك مربوطه را برابر قانون جمع آوری و گزارش تفریح هر سال بودجه را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای ملی تسلیم می کند . این گزارش ها نباید از عموم مردم مخفی

باشد . نحوه مدیریت دیوان عالی محاسبات را مجلس معین می کند .

اصل دویست و ششم :

هیچ نوع مالیاتی وضع نمی شود مگر به موجب قانون ، موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می شود . مجلس شورای ملی می تواند موارد وضع شده مالیاتی را حذف ، اضافه یا کم و زیاد نماید . دریافت هر گونه مالیات و درآمد مشابه فقط به حساب خزانه داری دولت واریز می گردد و دستگاه های دولتی تنها مطابق قانون می توانند هزینه های خود را به مصرف برسانند .

اصل دویست و هفتم :

بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای ملی تسلیم می گردد . هر گونه تغییر در ارقام بودجه تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود . همچنین لوایح قانونی پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس شورای ملی تقدیم می شود و طرح های قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان مجلس در مجلس شورای ملی قابل طرح و بررسی است .

اصل دویست و هشتم :

بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می شود از طرف دولت تهیه و پس از تصویب هیات وزیران برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای ملی تسلیم می گردد . هر گونه تغییر در ارقام بودجه تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود . همچنین دولت بایستی حداقل سه ماه قبل از پایان سال ، بودجه سال آینده را به مجلس شورای ملی تحویل دهد و مجلس شورای ملی موظف است چهل روز قبل از پایان سال بررسی و تصویب بودجه را به پایان برساند در صورت سکوت مجلس در دوران ذکر شده دولت می تواند ادامه بررسی بودجه را به شورای عالی ملی واگذار نماید . شورای عالی ملی نیز موظف است پانزده روز قبل از پایان سال تکلیف بودجه را مشخص نماید .

اصل دویست و نهم :

عده نمایندگان مجلس ملی سیصد و یک نفر است و به ازای هر ۲۵۰ هزار نفر جمعیت که در هر حوزه انتخابیه افزایش یابد ، یک نماینده اضافه می شود . محدوده ی حوزه های انتخابیه و تعداد نمایندگان حوزه ها و شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین می کند . همچنین نحوه تعیین حوزه های انتخابیه کشور نباید بصورتی باشد که حوزه های انتخابیه و نمایندگان آن صرفاً تحت تاثیر مطالبات قومی و محلی قرار گیرند .

اصل دویست و دهم :

پس از برگزاری انتخابات مجلس شورای ملی ، جلسات مجلس شورای ملی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان مجلس شورای ملی رسمیت می یابد . ترتیب انتخاب رئیس مجلس شورای ملی و هیئت رئیسه آن و تعداد کمیسیون ها و دوره تصدی آن ها و امور مربوط به مذاکرات و انتظامات مجلس و تصویب طرح ها و لوایح قانونی ، طبق آئین نامه داخلی مجلس و رای اکثریت اعضای مجلس شورای ملی انجام می گیرد مگر در مواردی که قانون اساسی قوانین خاصی را تعیین کرده باشد .

اصل دویست و یازدهم :

مذاکرات مجلس علنی است و نمایندگان رسانه های گروهی و مردم عادی با رعایت نوبت می توانند در تمام جلسات مجلس حضور یابند . در شرایط اضطراری ، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزرا یا سی نفر از نمایندگان ، جلسه غیرعلنی تشکیل می شود . گزارش مصوبات این جلسات باید پس از برطرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد . پادشاه ، رئیس جمهور و معاونین رئیس جمهور و وزراء می توانند در جلسات مجلس شورای ملی شرکت نمایند .

اصل دویست و دوازدهم :

رئیس جمهور باید از مجلس برای وزیران خود قبل از تشکیل هیات وزیران رای اعتماد بگیرد . در هر مورد که حداقل یک سوم از کل نمایندگان مجلس ملی از رئیس جمهور و یا ده نفر از نمایندگان از وزیر مسئول درباره یکی از وظایف آنان

سوال کنند رئیس جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شده و به سوال نمایندگان پاسخ گوید . این جواب در مورد رئیس جمهور نباید بیش از یک ماه و در مورد وزیر بیش از ده روز به تاخیر افتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای ملی . همچنین مجلس می تواند هر شخص تبعه ایران را به مجلس احضار نماید .

اصل دویست و سیزدهم :

نمایندگان مجلس شورای ملی می توانند در مواردی که لازم می دانند هیئت وزیران یا هر یک از وزرا را استیضاح کنند . استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که به امضای حداقل سی نفر از نمایندگان رسیده باشد . هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شده و به استیضاح پاسخ گوید و از مجلس رای اعتماد گیرد . در صورت عدم حضور وزیر و یا هیئت وزیران برای پاسخ به استیضاح ، نمایندگان مزبور درباره استیضاح ، توضیحات لازم را ارائه داده و در صورتی که مجلس شورای ملی مقتضی بداند اعلام رای اعتماد یا عدم اعتماد به وزیر مربوطه صادر خواهد شد . اگر مجلس رای اعتماد ندهد هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می شود . در هر دو صورت وزرای مورد استیضاح نمی توانند در هیئت وزیرانی که بلافاصله بعد از آن تشکیل می شود عضویت یابند .

اصل دویست و چهاردهم :

در صورتی که حداقل نیمی از نمایندگان مجلس رئیس جمهور را مورد استیضاح قرار دهند ، رئیس جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شده و در خصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی دهد . در صورتی که پس از اظهارات نمایندگان موافق و مخالف و پاسخ رئیس جمهور سه چهارم نمایندگان به عزل او رای دهند مشروط به پذیرش نیمی از اعضای شورای عالی ملی ، رئیس جمهور عزل خواهد شد و انتخاب مجدد ریاست جمهور تا مدت باقیمانده ، برابر مقررات مربوطه به عمل خواهد آمد .

اصل دویست و پانزدهم :

فرستادن قوانین تصویب شده توسط مجلس شورای ملی به شورای عالی ملی لزومی ندارد ولی شورای عالی ملی می تواند قوانینی را که مغایر قانون اساسی یا اصل آزادی و دموکراسی یا استقلال و تمامیت ارضی و مغایر وحدت ملی وضع شده را مردود اعلام کند یا برای اعمال تغییراتی به مجلس باز فرستد . همچنین هر گاه پانزده نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی قوانین وضع شده را مغایر قانون اساسی یا اصل آزادی و دموکراسی یا استقلال و تمامیت ارضی و یا مغایر حفظ وحدت ملی بدانند می توانند از شورای عالی ملی درخواست رسیدگی داشته باشند . در چنین شرایطی مجلس شورای ملی رونوشتی از قوانین را به شورای عالی ملی فرستاده و شورای عالی ملی تا ده روز حق مخالفت با آن را خواهد داشت در غیر اینصورت قوانین تایید شده تلقی خواهد شد و برای اجرا به هیات دولت فرستاده می شود .

اصل دویست و شانزدهم :

مجلس شورای ملی موظف است طرح های پیشنهادی رئیس جمهور را قبل از سی روز مورد بررسی قرار داده و نتایج آن را کتبا اعلام نماید . مجلس شورای ملی در صورت نپذیرفتن کلی طرح یا نپذیرفتن قسمتی از طرح موظف است همه دلایلی که باعث مخالفت مجلس شده را به اطلاع رئیس جمهور برساند . در اینصورت رئیس جمهور می تواند کمتر از پانزده روز طرح خود را اصلاح و یا همان طرح قبلی را به همراه دفاعیه خود به مجلس شورای ملی بفرستد یا اینکه شخصا در مجلس حاضر شده و از آن دفاع نماید .

اصل دویست و هفدهم :

کمیسیونها مختلف مجلس می توانند جلسات متعدد و مرتبی را با وزیران مربوطه ، دولت ، نهاد پادشاهی ، شورای عالی ملی و موارد دیگری که قانون معین می کند داشته باشند و با هماهنگیها و رایزنیهای قبلی خود موجب تسریع و تسهیل روابط مجلس و دیگر ارگانهای حکومتی شوند . چنین رابطه ای باید بصورتی باشد که مسئولین از چنین رابطه ای امتناع نکرده و چنین روابطی مفید و سودمند باشد .

اصل دویست و هجدهم :

طرحها و لایحه های قانونی نهادهای مختلف حکومتی پس از ارجاع رئیس مجلس به کمیسیونهای مختلف ، مورد بررسی کمیسیون مذکور قرار گرفته و برای طرح نهایی در مجلس شورای ملی آماده می گردد و طرح های قانونی به

پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی قابل طرح و بررسی در مجلس شورای ملی است .

اصل دویست و نوزدهم :

مجلس شورای ملی می تواند در خصوص صحت اعتبارنامه های اعضای مجلس شورای ملی و در مورد علل مغایرت یا عدم صلاحیت اعضای خود برای احراز سمت نمایندگی مجلس شورای ملی تصمیم گیری نماید . شرح بیشتر با قانون است .

اصل دویست و بیستم :

رئیس جمهور و پادشاه و همچنین چهل نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی می توانند در مواقع ضروری تقاضای تشکیل جلسه فوق العاده یا ضروری از مجلس شورای ملی داشته باشند .

اصل دویست و یکم :

انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود به طوری که کشور هیچگاه بدون مجلس نباشد . در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب بیش از نیمی از مجموع نمایندگان مجلس شورای ملی ، انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی می تواند متوقف شود و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید ، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد .

فصل هفتم : قوه مجریه

اصل دویست و بیست و دوم :

اعمال قوه مجریه از طریق رئیس جمهور و وزرا است و ریاست هیأت وزیران با رئیس جمهور است . رئیس جمهور می تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونان و مشاورانی داشته باشد . معاون اول رئیس جمهور با موافقت وی اداره هیئت وزیران و مسئولیت هماهنگی معاونت ها و مشاوران رئیس جمهور را عهده دار می شود . رئیس جمهور برای انتصاب معاونان و مشاوران نیازی به مصوبه مجلس ندارد .

اصل دویست و بیست و سوم :

رئیس جمهور توسط مردم از طریق انتخابات آزاد ، عمومی ، عادلانه ، مخفی و مستقیم برای مدت چهار سال انتخاب میگردد . همچنین تصدی بیش از دو دوره ریاست جمهوری توسط يك فرد ممنوع است . سمت ریاست جمهوری قائم به شخص است و قابل واگذاری به غیر نیست .

اصل دویست و بیست و چهارم :

رئیس جمهور عالی ترین مقام اجرائی کشور است و قدرت اجرائی خود را مستقیماً یا با کمک معاونان و وزراء بر طبق قانون اساسی اعمال می نماید . همچنین رئیس جمهور ریاست قوای نظامی کشور را عهده دار است ، رئیس جمهور موظف است در مورد صدور فرمان جنگ از مجلس شورای ملی اجازه بگیرد .

اصل دویست و بیست و پنجم :

دولت موظف است به منظور مبارزه با رشوه خواری ، فساد اداری ، بالابری بهره بری ، مبارزه با بروکراسی ، رانت خواری ، پارتی بازی ، ریاکاری و چاپلوسی و بهینه سازی سیستم اداری و گسترش نظم و انضباط و بسط شایسته سالاری ، تدابیر لازم را اندیشیده و مجموعه قوانین اداری و مدنی را در قالب لایحه ها و طرحهای مختلف به مجلس شورای ملی تحویل داده و اجرای چنین سیاستی را تضمین نماید .

اصل دویست و بیست و هشتم :

رئیس جمهور ، وزرا معاونین و مشاورین رسمی رئیس جمهور نمی توانند در زمان تصدی مقام خود از مقام خود به نفع علایق قومی ، مذهبی و حزبی خود استفاده نمایند . همچنین واگذاری پست ها و مدیریت های زیر مجموعه دولت باید در قوانینی شفاف و روشن صرفا بر اساس شایسته سالاری و تواناییهای علمی و مدیریتی شهروندان باشد . بر این اساس دولت و نظام سیاسی ایران موظف است در قوانینی روشن و شفاف چنین اهدافی را تعقیب و تضمین نمایند .

اصل دویست و بیست و هفتم :

رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه پرسشی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به ایشان ، امضا کرده و برای اجرا در اختیار مسئولان زی ربط و هیات وزیران بگذارد .

چنانچه رئیس جمهور قوانین مجلس شورای ملی را مغایر قوانین و مصالح کشور بداند می تواند قبل از بیست روز از دریافت قوانین آن را به مجلس شورای ملی بازگرداند و خواهان رسیدگی مجدد مجلس گردد . در چنین مواقعی رئیس جمهور یا وزرای ایشان می توانند در مجلس حضور یافته و از همه دلایل مربوط به رای و عقیده خود دفاع نمایند . در موارد دیگر مانند حفظ امنیت ملی ، تخطی از قانون اساسی ، حفظ استقلال و تمامیت ارضی و یا حفظ وحدت ملی ، بر هم زدن روابط صلح آمیز میان ملل و یا حفظ امنیت ملی رئیس جمهور می تواند قوانین مجلس شورای ملی را به شورای عالی ملی ارجاع داده و در آنجا تقاضای رسیدگی و شور نماید . همچنین قوانین بلافاصله پس از موافقت رییس جمهور به طور رسمی به اطلاع عموم مردم خواهد رسید و طرف مدت پانزده روز پس از انتشار رسمی به مورد اجرا گذارده خواهند شد ، مگر این که قوانین شکل دیگری را در نظر گرفته باشند .

اصل دویست و بیست و هشتم :

حق انتخاب وزرا با رئیس جمهور است ، وزرا توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رای اعتماد به مجلس شورای ملی معرفی می شوند . رئیس جمهور می تواند وزرا را عزل نماید ، در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رای اعتماد بگیرد . وزرا تا زمانی که عزل نشده اند و یا بر اثر استیضاح رای عدم اعتماد نگرفته اند ، در سمت خود باقی می مانند . هریک از وزیران مسئول وظایف خاص خود بوده و در برابر رئیس جمهور و مجلس شورای ملی پاسخگوست .

اصل دویست و بیست و نهم :

رئیس جمهور می تواند استعفای خود را به مجلس شورای ملی تسلیم و با تصویب اکثریت مجلس شورای ملی و اکثریت شورای عالی ملی از کار کناره گیری نماید . در صورت استعفا و فوت و عزل رئیس جمهور و یا بیماری صعب العلاج و غیبت بیش از سه ماه ایشان ، معاون اول رئیس جمهور اختیارات و مسئولیت های ایشان را پس از کسب رای اعتماد از مجلس شورای ملی برعهده می گیرد و تا پایان دوره چهار ساله ریاست جمهوری این سمت را عهده دار می شود . در صورتی که مجلس شورای ملی به معاون اول رئیس جمهوری رای اعتماد ندهد موظف است ترتیب برگزاری انتخاب مجدد ریاست جمهوری برای مابقی دوره تصدی گری رئیس جمهوری را حداکثر ظرف مدت چهل روز سازمان دهد . در طی مدت چهل روز رئیس مجلس شورای ملی موقتا مسئولیتهای ریاست جمهوری را عهده دار می شود و مسئولیت اداره مجلس را یکی از معاونان او با تصویب مجلس برعهده می گیرد . در این دوره نمی توان وزرا را استیضاح کرد و به آنان رای عدم اعتماد داد و نیز نمی توان برای تجدید نظر در قانون اساسی و یا امر همه پرسشی اقدام نمود . همچنین معاونان رئیس جمهور می توانند مطابق به احکام این قانون اساسی خود را به ریاست جمهوری کاندید نمایند . تأیید مریضی صعب العلاج رئیس جمهور توسط هیئت طبی با صلاحیت از طرف شورای عالی ملی تعیین می گردد .

اصل دویست سی ام :

رئیس جمهور می تواند در موضوعات مهم ملی ، سیاسی ، اجتماعی و یا اقتصادی پس از تأیید نیمی از اعضای مجلس شورای ملی به آرای عمومی مردم ایران مراجعه نماید . مراجعه به آرای عمومی نباید متناقض احکام قانون اساسی و یا مستلزم تعدیل و تشدید آن باشد چنین تناقض یا تعدیل و تشدید را شورای عالی ملی تشخیص می دهد .

اصل دویست سی و یکم :

وزرا می توانند از اعضای مجلس شورای ملی یا از اعضای شورای عالی ملی تعیین شوند . هرگاه عضو مجلس شورای

ملی یا عضو شورای عالی ملی به سمت وزیر تعیین شوند عضویت ایشان در مجلس یا شورای عالی ملی به اتمام رسیده و به جای ایشان شخص دیگری مطابق قانون جایگزین می گردد . هیچ فردی نمی تواند بیش از دو دوره به سمت رئیس جمهور یا سه دوره به سمت وزیر انتخاب گردد .

اصل دویست سی و دوم :

دولت نمی تواند احکامی را وضع نماید که جنبه قانونی دارد مگر اینکه مجلس چنین اختیاراتی را به تصریح به ایشان واگذار کرده باشد . مجلس می تواند قوانین وضع شده توسط دولت را ملغی نموده و یا تغییراتی در آن اعمال نماید . هر گاه دولت در موارد ضروری و فوری با مسئولیت خود مقررات موقتی یا دائمی را وضع نماید ، موظف است مصوبات خود را در همان روز جهت قانون شدن به مجلس شورای ملی تقدیم نماید و مجلس شورای ملی موظف است حتی با تشکیل جلسه فوق العاده ، ظرف مدت سی روز تکلیف قوانین وضع شده توسط دولت را روشن نماید .

اصل دویست سی و سوم :

رئیس جمهور در مورد نتایج انجام وظائف خود از مسئولیت مبرا است ، مگر در مورد ارتکاب خیانت های بزرگ . رئیس جمهور تنها به وسیله مجلس شورای ملی یا شورای عالی ملی و از طریق رای گیری علنی و تصویب اکثریت مطلق هر دو مجلس مورد اتهام قرار میگیرد . در این صورت دادرسی زیر نظر مستقیم دیوان عالی قضایی و رئیس قوه قضاییه تشکیل می گردد .

اصل دویست سی و چهارم :

دولت برای انتشار اوراق قرضه ملی یا اخذ اعتبار و وام از کشورهای خارجی نیاز به مجوز قانونی از مجلس دارد . همچنین دولت نمی تواند بدون اجازه مجلس به هیچ کشوری اعتبارات مالی اعم از وام و کمک های مالی بلاعوض و عوض دار واگذار نماید . عهد نامه ها و مفاوله نامه ها و قراردادها و موافقت نامه های بین المللی که ناظر بر قبول تعهد نظام سیاسی ایران در مقابل کشورهای دیگر یا نهادهای بین المللی است می تواند با مخالفت اکثریت نمایندگان مجلس شورای ملی ملغی اعلام گردد .

اصل دویست سی و پنجم :

رئیس جمهور قبل از عهده دار شدن مسئولیت ریاست جمهوری ، در اجلاس مشترک مجلس شورای ملی و شورای عالی ملی و در حضور پادشاه سوگند یاد می کند که نسبت به نظام سیاسی ایران و اجرای تام و تمام قانون اساسی ، اصل آزادی و دموکراسی و حفظ تمامیت ارضی و وحدت ملی کوشا باشد و از هیچ کوششی برای اعتلای و غنای فرهنگ و رفاه مردم ایران دریغ ننماید .

اصل دویست سی و ششم :

رئیس جمهور بر اساس صلاحیتها و اختیارات خویش وظایف ذیل را به عهده دارد :

- ۱ _ حفظ استقلال کشور و تمامیت ارضی کشور و حفظ وحدت و امنیت ملی
- ۲ _ حفظ روابط صلح آمیز میان ملل و گسترش و بسط آن
- ۳ _ تأمین امنیت داخلی و خارجی و حفظ امنیت تمامی شهروندان ایران فارغ از جنسیت ، مذهب و عقیده و قومیت
- ۴ _ دفاع از اصل آزادی و دموکراسی و حفظ حقوق و آزادیهای همه شهروندان ایران .
- ۵ _ اعلام وضعیت اضطراری کامل یا ناقص و اختتام آن مطابق قانون .
- ۶ _ انتصاب معاونان رئیس جمهور و عزل و تغییر آنان مطابق قانون و اصول دیگر قانون اساسی
- ۷ _ هدایت و کنترل کار وزارتخانه ها و سازمان های عمومی و ایجاد هماهنگی بین آنها .

- ۸ _ انتصاب استانداران ، و تمام کارمندان نظامی و غیر نظامی و نیز خاتمه دادن به خدمات آنان .
- ۹ _ تهیه طرح بودجه عمومی دولت و نیز بودجه های مستقل و طرح های سرمایه گذاری پیوست به آن و تصویب حساب های نهایی این بودجه ها و ارجاع آن به مجلس شورای ملی برای مذاکره .
- ۱۰ _ تهیه برنامه عمومی دولت در تمام امور اقتصادی و اجتماعی به پیشنهاد وزارتخانه های مربوطه و ارجاع آن به مجلس شورای ملی .
- ۱۱ _ اخذ و اعطای وام و نظارت بر سازمان پول و اعتبارات کشور و تعیین رئیس بانک مرکزی به تأیید مجلس شورای ملی .
- ۱۲ _ نظارت بر تمام سازمان های عام المنفعه ، سازمان های رسمی و نیمه رسمی و سازمان های بخش دولتی .
- ۱۳ _ انجام مذاکره و انعقاد موافقت نامه ها و معاهدات بین المللی و بین الدول .
- ۱۴ _ پذیرفتن نمایندگان سیاسی و بین المللی در ایران یا تقاضای خروج یا تعویض آنان .
- ۱۵ _ انتصاب نمایندگان سیاسی ایران در کشورهای مختلف دنیا و کنفرانس ها و سازمان های بین المللی .
- ۱۶ _ تفویض برخی از صلاحیت ها و اختیارات خود به يك یا چند تن از معاونین خویش .
- ۱۷ _ ابلاغ قوانین و مقررات وضع شده مجلس شورای ملی به نهادها یا وزارتخانه های مربوطه
- ۱۸ _ اعطای اعتبارنامه به غرض عقد معاهدات بین الدول و میثاق های بین المللی مطابق به احکام قانون .
- ۱۹ - تاسیس کمیسیونها به منظور بهبود اداره کشور مطابق به احکام قانون .
- ۲۰ _ مبارزه با تضاد طبقاتی و حفظ مساوات و برابری و عدالت و جلوگیری از استبداد مجریان دولتی
- ۲۱ _ برنامه ریزی فعالیتهای اقتصادی و سیاسی و مطابقت آن در راستای رفع نیازهای شهروندان ایران و ارتقاء سطح زندگی و رفاه آنان
- ۲۲ _ اجرای قانون اساسی و حرکت در چهارچوب قوانین و مقررات ملی و میهنی
- سایر اختیارات و وظایف رئیس جمهور مطابق قانون است .

فصل هشتم : قوه قضائیه

اصل دویست سی و هفتم :

استقلال قوه قضائیه تضمین می شود . رئیس قوه قضائیه توسط شورای عالی ملی انتخاب می شود و پس از انتخاب هیچ يك از قوا ، نمی توانند توقع اعمال نفوذ یا تأثیر داشته باشند .

اصل دویست سی و هشتم :

رئیس قوه قضائیه ضمن استقلال کامل قوه قضائیه ، فقط به شورای عالی ملی پاسخگوست و رئیس قوه قضائیه این حق را دارد که حضورا در شورای عالی ملی از عملکرد خود دفاع کرده و دیگران را با نظرات خود آشنا سازد .

اصل دویست سی و نهم :

قوه قضاییه ضمن استقلال کامل خود ، استقلال قضات ، وکلای دادگستری و حقوق دانان را تضمین کرده و در گزینش هیچ وکیل و حقوق دانی به گونه ای ناعادلانه و نابرابرانه عمل نخواهد کرد . همچنین قوه قضاییه به حق تربیت حقوق دانان در مراکز آموزش عالی و گزینش آنان از قانون وکلای مستقل از حکومت یا مراکز آموزش عالی احترام می گذارد و انتخاب قضات را صرفاً از طریق امتحان ورودی ممکن می سازد .

اصل دویست و چهلم:

دیوان عالی قضایی متشکل از افراد زیر است :

چهار نفر از قضات و دو نفر از حقوق دانان به انتخاب رئیس قوه قضاییه

سه نفر حقوق دان به انتخاب رئیس جمهور

سه نفر حقوق دان به انتخاب مجلس شورای ملی

سه نفر حقوق دان به انتخاب شورای عالی ملی

سه نفر حقوق دان به انتخاب پادشاه

دو نفر حقوق دان به انتخاب جامعه مستقل وکلا و حقوق دانان

دادستان کل کشور ، رئیس دادگستری ، رئیس دیوان عالی کشور و رئیس قوه قضاییه می توانند به اختیار خود در یکی یا همه جلسات با داشتن یک رای شرکت نمایند .

اعضای دیوان عالی قضایی برای مدت چهار سال انتخاب می گردند و قانون شرایط احراز چنین پستی را معین می کند ، همچنین انتخاب رئیس دیوان عالی قضایی و تدوین آیین نامه های داخلی با اکثریت اعضای آن صورت می پذیرد .

اصل دویست چهل و یکم :

دیوان عالی قضایی عالی ترین مرجع رسیدگی به شکایات و تظلمات در موارد زیر است :

۱ - بررسی شکایات مردمی از قضات ، وکلای دادگستری و حقوق دانان

۲ - تایید و بررسی صحت صدور حکم اعدام ، حبس ابد و حبس های بیش از ۵ سال

۳ - بررسی شکایات متهمین و متظلمین در خصوص علنی بودن یا علنی نبودن دادگاهها و یا اعمال بازداشت انفرادی در مواقع ضروری

۴ - بررسی شکایات متهمین به نحوه برگزاری دادگاهها در ارتباط با جرایمی در خصوص امنیت ملی ، نشر عقاید مذهبی و قومی ، تشکیل احزاب و گروهها ، محدودیتهای رسانه های گروهی ، آزادیهای فردی و اجتماعی ، جرایم ضد فرهنگی و ضد اخلاقی و جرایم خاصی نظیر آن که ممکن است به خاطر ویژگی آنها محدودیتهایی خاص بر دادگاهها اعمال گردد .

اصل دویست چهل و دوم :

وزیر دادگستری مسئولیت و ریاست سازمان اداری و مراقبت بر سازماندهی و عملکرد ادارات مربوط به قوه قضاییه را بر عهده دارد همچنین وزیر دادگستری که روابط میان قوه قضاییه و هیئت وزیران و مجلس شورای ملی را عهده دار است توسط رئیس جمهور به مجلس معرفی شده و پس از کسب رای اعتماد مجلس به عنوان وزیر دادگستری و عضو شورای عالی قضایی انجام وظیفه می نماید . نحوه سوال از وزیر دادگستری یا استیضاح ایشان مانند وزیران دیگر است . کلیه لوایح و طرح های قضایی پس از تصویب شورای عالی قضایی قابل طرح در مجلس شورای ملی است .

اصل دویست چهل و سوم :

دادستان کل کشور که مسئولیت ریاست دادرسیها را برعهده دارد و عزل و نصب دادستانها در چهارچوب مقررات مربوطه زیر نظر ایشان انجام می گیرد توسط هیئت رئیسه مجلس از میان حقوقدان ها انتخاب و برای تأیید به مجلس شورای ملی معرفی می گردد . شرایط استیضاح و عزل ایشان مانند شرایط استیضاح و عزل هر یک از وزرا توسط مجلس شورای ملی انجام می گیرد و ایشان مستقیماً زیر نظر رئیس قوه قضائیه فعالیت می کنند .

اصل دویست چهل و چهارم :

دادستانی وظیفه دفاع از حاکمیت قانون ، حقوق مدنی و سیاسی شهروندان و دفاع از منافع عامه را به طور تسخیری یا به درخواست طرفهای ذینفع یا بصورت مدعی العموم به عهده دارد و از منافع اجتماعی در دادگاه ها دفاع می نماید .

اصل دویست چهل و پنجم :

رئیس دیوان عالی کشور که عزل و نصب قضات در چهارچوب مقررات ملی زیر نظر ایشان انجام می گیرد ، توسط رئیس قوه قضائیه انتخاب می گردد .

اصل دویست چهل و ششم :

دادستانها و قضات مستقل بوده و فقط تابع قوانین و مقررات میباشند . قاضی و دادستانها را نمی توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد صرفاً قانون ، نحوه تشکیل محاکم ، سطوح محاکم ، صلاحیت و شرایط استخدام ، انتصاب ، انتقال ، ترفیع و اقدامات انضباطی و برکناری قضات و دادستانها را تعیین می نماید . وزیر دادگستری اختیار طرح دعاوی انضباطی را علیه قضات در چهارچوب آیین نامه های سازمانی دارا میباشند و این اختیار برای دادستانان به عهده دادستانی کلی کشور است .

اصل دویست چهل و هفتم :

رئیس قوه قضائیه وظیفه هماهنگی بین دادستانی کلی کشور ، وزیر دادگستری ، دیوان عالی قضایی ، دیوان عالی کشور ، پلیس قضایی و سازمان بازرسی کل کشور را به عهده دارد و این مدیران موظفند در چهارچوب قوانین ملی و حدود اختیارات خود از رئیس قوه قضائیه اطاعت نمایند

اصل دویست چهل و هشتم :

عدالت از مردم سرچشمه گرفته و به نام ملت و مردم اعمال و اجرا میگردد . تشکیل دادگاههای استثنایی ممنوع است و تعیین قضات فوق العاده یا ویژه مجاز نمیباشد .

اصل دویست چهل و نهم :

شهروندان میتوانند با مشارکت در هیأتهای منصفه در دستگاه دادگستری شرکت نمایند. چگونگی تشکیل هیأتهای منصفه و شرایط و نحوه شرکت مستقیم مردم در اداره امور دادگستری را قانون معین میکند .

اصل دویست و پنجاهم :

برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی ، یا رسیدگی به جرائم مربوط به اعضای ارتش و کلیه نیروهای مسلح کشور ، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می گردد ، دادستانی و دادگاه های نظامی بخشی از قوه قضائیه کشور بوده و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند و جرائم عمومی اعضای نیروهای مسلح کشور یا جرائمی که در مقام يك شهروند غیر نظامی صورت می گیرد خارج از حیطه مقررات محاکم نظامی و انتظامی رسیدگی می گردد .

اصل دویست و پنجاه و یکم :

پلیس قضایی مستقیماً زیر نظر رئیس قوه قضاییه بوده و توسط رئیس نیروهای انتظامی کشور انتخاب می‌گردد. پلیس قضایی به عنوان زیر مجموعه ای از نیروهای انتظامی در اجرای وظایف خود یعنی تحقیق، کشف جرم و تضمین حقوق مجرمین در چارچوبی که قانون معین می‌کند وابسته به قضات، دادگاه‌ها و دادستانی بوده و نحوه ارتباط آنها با یکدیگر را رئیس قوه قضاییه توسط قوانین و مقررات مربوطه معین می‌سازد.

اصل دویست و پنجاه و دوم:

قوه قضائیه پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و قانون است و موظف به پیگیری حقوق زیر است:

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اعمال اقدام لازم در حیطه قانون

۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع.

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین.

۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات مجرمین و اجرای حدود مقررات ملی و میهنی

۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و جرائم و اصلاح مجرمین.

اصل دویست و پنجاه و سوم:

سازمان بازرسی کل کشور بر اساس حق نظارت قوه قضاییه نسبت به حسن اجرای صحیح قوانین و مقررات در دستگاه‌های اداری و سازمانی کشور که به نحوی از بودجه عمومی استفاده می‌کنند زیر نظر قوه قضاییه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون معین می‌نماید. همچنین به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مامورین یا واحدها یا آئین نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تاسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل دیوان عدالت اداری را قانون تعیین می‌کند.

فصل نهم: اقتصاد کشور

اصل دویست و پنجاه و چهارم:

اقتصاد کشور بر اساس آزادی فعالیت فردی و برابری فرصت برای تمام آحاد کشور و همچنین بر محور بازار رقابتی عادلانه سازمان می‌پذیرد. فعالیت اقتصادی دولت محدود به ارایه کالاها و خدمات عمومی و نیل به تامین شرایط بهینه برای کالاها و خدماتی است که آثار عمومی دارد. روابط اقتصادی کشور در تمام زمینه‌های سرمایه‌گذاری و مبادلات تولیدی و تجاری با جهان خارج آزاد بوده و برای تامین اهداف رشد و ترقی درونی تنها از ابزار تنظیم نرخ برابری پول و گمرکات در حد ضرورت و در چهارچوب پیمانهای جهانی استفاده می‌کند. همچنین دولت می‌کوشد با بسط و گسترش فعالیتهای اقتصادی دولتی و خصوصی متناسب با معیارهای جهانی و سازمان آزاد تجارت جهانی از هر گونه دخالت در فعالیتهای اقتصادی دولتی کاسته و صرفاً به جهت دهی مناسب اقتصاد ایران با منافع ملی و میهنی همه شهروندان ایران می‌پردازد.

اصل دویست و پنجاه و پنجم:

دولت متعهد می‌شود درآمدهای ملی و میهنی ناشی از گمرکات، مالیات، معادن و منابع و مالکیت‌های عمومی را در جهت فراهم آوری زیرساخت‌های پیشرفت و ترقی جامعه و بسط و گسترش عدالت و رفاه اجتماعی، رشد و شکوفایی

اقتصاد ، علوم و تحقیقات ، فرهنگ و هنر ، تفریح و ورزش و بسط و گسترش بهداشت و سلامتی همه شهروندان ایران مصرف نماید و در حمایت از توزیع عادلانه ثروت و حمایت از اقشار کم درآمد و ضعیف و مبارزه با تضاد طبقاتی و تثبیت جایگاه شایسته ایران در خانواده بین المللی و نهایتاً ارتقا سطح زندگی مردم کوشش نماید .

اصل دویست و پنجاه و هشتم :

پرداخت مالیات ، وظیفه همه شهروندان ایران است . مبنای مالیات درآمد ، ثروت و مصرف بوده که در قوانین موضوعه چگونگی تحصیل آن معین می گردد . عوارض در مقابل آرایه خدمات عمومی معین ، تبیین و اخذ می گردد . مجلس پس از تعیین کلیات مربوط به اخذ عوارض و جرایم و چگونگی هزینه آن می تواند تصویب و اجرای جزئیات آن را به واحدهای محلی حکومتی مانند شوراهای استان و شهر و روستا و امثال آن واگذار نماید .

اصل دویست و پنجاه و هفتم :

فعالیت اقتصادی بخش خصوصی آزاد است . قوانین و مقررات برنامه ها و نظارت های مناسبی را مقرر می دارد تا فعالیت های اقتصادی بخش دولتی و خصوصی به سوی اهداف اجتماعی هدایت و هماهنگ شوند . چنین فعالیتی نباید با مصالح اجتماعی مغایر باشد و یا موجب لطمه زدن به امنیت ، آزادی و حیثیت افراد گردد . امور مربوط به تجارت داخلی و خارجی مطابق به ایجابات اقتصادی کشور و مصالح مردم توسط قانون تنظیم می گردد دولت همه نوع همکاری در زمینه تولید ، توزیع و مصرف کالا را مورد تشویق و حمایت قرار می دهد .

اصل دویست و پنجاه و هشتم :

نشر پول ، طرح و تطبیق سیاست پولی کشور مطابق به احکام قانون از صلاحیت بانک مرکزی می باشد.

فصل دهم : شوراها

شوراها

اصل دویست و پنجاه و نهم :

نظام سیاسی ایران بر اساس تامین اهداف زیر می تواند حق مدیریت های شهری و منطقه ای را ، جهت فراهم آوری زمینه های پیشرفت و ترقی شهری و منطقه ای ، به شهرها و قومیت های مختلف ایرانی تحت نظر شوراهای شهری و منطقه ای واگذار نماید مشروط به اینکه هیچ کدام از این حقوق نافی قوانین و مقررات ملی نبوده و مخالف اصول آزادی و دموکراسی و احترام به حقوق بشر نباشد .

۱ - مشارکت هر چه بیشتر آحاد مردم ایران از هر قوم و قبیله ای در سرنوشت سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی خود

۲ - بسط و گسترش فرهنگ ملی و میهنی بر اساس زیر ساخت های منطقه ای و بومی

۳ - ایجاد رقابت سالم بین همه اقوام و قومیت های ایرانی و پیگیری مطالبات فرهنگی ، سیاسی و اقتصادی

۴ - تشکیل ملتی یکپارچه و متحد و برابر و برادر و هر گونه تبعیض زادی قوم و بومی

اعضای این شوراها با انتخابات آزاد ، عمومی سری و مستقیم از طرف ساکنین محل برای مدت چهار سال انتخاب می شوند .

شوراها به دولت در زمینه سیاست های منطقه ای و شهری مشورت داده و امور مدیریتی شهرها را تسهیل و تسریع

می کنند .

اصل دویست و شصتم :

شهروندان متعلق به اقلیت های قومی و قبیله ای یا زبانی و گویشی در شهرها و استانهای مختلف کشور می توانند بصورت جمعی و گروهی یا فردی و شخصی از زبان ، فرهنگ و رسوم و آداب خاص خود در اجرای مراسمهای فرهنگی و اجتماعی استفاده کنند و هیچ کس را نمی توان از این حقوق منع کرد .

اصل دویست و شصت و یکم :

در بهره برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی و میهنی در سطح استان ها و شهرهای مختلف ایران و توزیع عادلانه فعالیت های اقتصادی میان استان ها و مناطق مختلف کشور ، نباید تبعیضی در کار باشد . به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود ، سرمایه و ثروت های مکفی و عادلانه از منافع ملی و میهنی را در اختیار داشته باشد .

فصل یازدهم : نیروهای نظامی

اصل دویست و شصت و دوم :

نیروهای مسلح ایران زیر نظر ارتش واحد از نیروهای زمینی ، دریایی و هوایی تشکیل می شود . وظیفه نیروهای مسلح کشور تضمین استقلال ، حاکمیت و تمامیت ارضی ، تامین امنیت ملی ، برقراری صلح و دوستی ، تحکیم قدرت دفاعی کشور و دفع هر گونه تهدید ملی علیه میهن است . تشکیل نیروهای مسلح ، صرفا به عهده دولت است و هیچ سازمان یا گروه دیگری حق تشکیل نیروهای نظامی یا شبه نظامی را ندارد . دولت موظف است نیروهای مسلح کشور را به کلیه وسایل لازم جهت دفاع از کشور مجهز نماید .

اصل دویست و شصت و سوم :

دفاع از میهن يك وظیفه و افتخار مقدس است . هیچ فرد خارجی بر خلاف قانون به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی شود و ترفیع درجه نظامیان و سلب آن صرفا به موجب قانون است .

اصل دویست و شصت و چهارم :

نیروی انتظامی کشور وظیفه نظارت بر اجرای قوانین و مقررات ، حراست از حقوق و آزادیهای فردی اجتماعی و تامین امنیت شهروندان را به عهده دارند . ریاست نیروهای انتظامی توسط شورای عالی ملی معین می گردد و رئیس نیروی انتظامی رئیس پلیس قضایی را تعیین می کند . پلیس قضایی به عنوان نماینده نیروی انتظامی در زمینه تحقیق ، کشف جرم و تضمین حقوق مجرمین با قوه قضاییه ، دادستانها و قضات در ارتباط مستقیم و مستمر قرار دارد که اصول و مقررات دیگر نحوه این ارتباط را معین می سازد .

فصل دوازدهم : همه پرسى و حالت اضطرار

اصل دویست و شصت و پنجم :

برگزاری همه پرسى به منظور بازنگرى در قانون اساسى مشروط به موارد زیر است :

۱ - تعیین شفاف و روشن مواردی که درخواست بازنگری آن در قانون اساسی داده می شود .

۲ - جمع آوری پانصد هزار امضاء موافق بند یکم

۳ - پس از تحقق شروط فوق ، تحقق یکی از شروط زیر :

الف : موافقت دو سوم نمایندگان مجلس شورای ملی

ب : در حکومت جمهوری پارلمانی : موافقت رئیس جمهور و نیمی از نمایندگان مجلس شورای ملی . در حکومت پادشاهی پارلمانی : موافقت پادشاه و نیمی از نمایندگان مجلس شورای ملی یا موافقت رئیس جمهور و نیمی از نمایندگان مجلس شورای ملی

۴ - پس از تحقق موارد فوق شورای عالی ملی موظف است شرایط لازم برای برگزاری همه پرسی در تغییر قانون اساسی را فراهم آورد .

همچنین متولیان برگزاری فرآیند یا پیشنهاد دهندگان تغییر قانون اساسی می توانند سه نفر را به عنوان نماینده خود جهت حسن اجرای برگزاری فرآیند یا همه پرسی به شورای عالی ملی معرفی و یا در صورت لزوم درخواست ناظرین بین المللی برای حسن انجام فرآیند را داشته باشند . این سه نفر شامل نفقات ذکر شده در بند یکم است .

اصلاح قانون اساسی در زمان جنگ یا حالت فوق العاده یا اشغال نظامی ممنوع است .

اصل دویست و شصت و ششم :

در مسائل بسیار مهم اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه رجوع به همه پرسی و مراجعه مستقیم به آرا مردم صورت گیرد . برگزاری چنین همه پرسی که در چهارچوب قانون اساسی بوده و یا مغایر قانون اساسی نباشد مشروط به یکی از شروط زیر است .

۱ - موافقت دو سوم نمایندگان مجلس شورای ملی

۲ - در حکومت پادشاهی پارلمانی : موافقت نیمی از نمایندگان مجلس شورای ملی و موافقت پادشاه یا رئیس جمهور . در حکومت جمهوری پارلمانی : موافقت نیمی از نمایندگان مجلس شورای ملی و موافقت رئیس جمهور

پس از تحقق یکی از موارد فوق شورای عالی ملی موظف است شرایط برای برگزاری همه پرسی را فراهم آورد .

اصل دویست و شصت و هفتم :

برقراری حکومت نظامی ممنوع است . در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر اغتشاشات وخیم و حدوث بلاهای طبیعی وخیم و یا وقوع اتفاقاتی که وحدت ملی و تمامیت ارضی را به خطر می اندازد دولت می تواند با تصویب مجلس شورای ملی موقتاً محدودیت های ضروری را برای مدت چهل و پنج روز برقرار سازد چنانچه ضرورت فوق العاده همچنان ایجاب نماید برای تمدید محدودیت ها ، دولت موظف است از شورای عالی ملی و مجلس شورای ملی کسب اجازه نماید . در چنین مواقعی تغییر قانون اساسی ، تعدیل یا تشدید آن ممنوع است.

<http://www.ghandchi.com/IONA/ConstShirzad.htm>